مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بسم الله الرحمن الرحيم

پیغام رهبر-۲

نویسنده:

شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی

شناسنامهٔ کتاب
عنوان کتاب: پیغام رهبر؛
جلد: ۲؛
عنوان فرعی: پیام‌هایی از رهبر شهید؛
نام پدیدآور: شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛
گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
طرح جلد و برگ‌آرایی: عصمت‌الله احراری؛
سال چاپ: ۱۳۹۵ خورشیدی؛
نوبت چاپ: نخست؛
محل چاپ: کابل، افغانستان؛
شناسهٔ افزوده: این پیام‌ها به‌صورتِ جداگانه در نشریه‌های جمعیّت اسلامی، به نشر رسیده‌است؛
موضوع: پیام‌ها؛
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه؛
شمار برگه‌ها: ۱۸۹؛
قطع: جیبی؛
بها: ۱۳۰ افغانی؛
چاپ‌خانه: بهیر؛
نشانی ما: صفحهٔ رسمی آثار رهبر شهید؛
ایمیل آدرس: sh.rabbani1390@gmail.com
حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست

یادداشت مرکز تدوین آثار رهبر شهید ۱۱
پیام‌های آزادی (۸ ثور و ۲٤ حوت) ۱۵
پیام رمضانی ۳۳
پیامَ‌های عیدی ٤۵
پیام‌های همدردی ۷۱
پیام‌های متفرقه ۱٤۷
نمـایه ۱٦۱
رویکردها ۱۸۳

یادداشت مرکز تدوین آثار رهبر شهید

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَى رَسُولَ اللَّهِ؛ و بعد:

اینک – با لطف حضرت حق – داریم، جلد دوّم، پیغام رهبر را خدمت شایقان اندیشه‌های استاد و محبان دَانش و معرفت تقدیم می‌داریم.

این مجموعه‌ای را که در دست دارید حاوی «۲۶» پیامی‌است، از رهبر شهید W که به‌مناسبت‌های مختلف نگاشته شده‌اند.

در یک بخشی از این پیام‌ها، استاد دارد، از آزادی و مجاهدت‌های بی‌نظیر ملّتش سخن می‌گوید، از هشت ثور داد سخن دارد و آن را تجسُّم آزادی‌خواهی ملّت مجاهد افغانستان می‌خواند و این‌چنین این روز را پیام‌آور یک انقلاب اجتماعی می‌داند و آن را روز رسمیت‌یافتن حقوق مساویانهٔ تمام مردم جامعه قلمداد می‌کند و از قیام ۲۴ حوت سخن دارد و آزادی و استقلال افغانستان را محصول چنین خیزش‌هایی می‌داند.

در بخش دیگر این پیام، از رمضان و قرآن می‌نویسد،

چنان‌که با اســـتناد به قرآن و حدیث، از فضایل و داشته‌های این ماه حرف و حدیث‌هایی دارد، روزه را تربیت‌گاه تقوی و طهارت و مدرسهٔ رشد اخلاق و فضیلت عنوان می‌کند.

همان‌گونـــه که این مـــاه را ماه صبر و اســـتقامت، ماه احســـاس و عاطفهٔ انسانی، ماه احســـاس حضور و نظارت خدا و ماه عفّت زبان و طهارت وجدان می‌خواند.

بخش دیگر از این پیام‌ها، به‌مناســـبت فرارســـیدن عید نگاشـــته شده‌اند که خامهٔ توانای اســـتاد، چهرهٔ تابناک عید را به‌گونه‌ای به تصویر می‌کشـــد که اگـــر ادعا کنیم تاکنون خامه‌ای چنین قدرتی را نداشـــته، مبالغه نکرده‌ایم. اگر باور ندارید، این دو فقره را بخوانید:

«فرارســـیدن عید و از سرگرفتن حیات عادی و استفاده از نِعَمـــات الهی، بعد از یک ماه روزه و مهارســـاختن همه غرایز، بیانگر این حقیقت است که حیات در اسلام، تابلوی یک‌رنگ و ســـیر یک‌نواخـــت و مکرّر نیســـت و به تعبیر پیغمبر Y :

﴿..سَاعَةً وَسَاعَةً﴾

زمانی بر اوجنای تجرّد، غرق راز و نیاز، عشق و عبادت و ســـیر بر بلندای لاهوت و معنویت و گاهی هم ســـرگرم استفاده از زینت‌های زندگی و زیبایی‌های آفرینش است.»

پیوســـته بـــر اینکـــه عید فطـــر را مظهـــری از مظاهر غنامندی فرهنگ اســـلامی مُعَرّفی می‌کنـــد، عید اضحی را یادبود حیرت‌انگیزترین حادثهٔ تاریخ و ســـرآغاز یک دورهٔ ماندگار در تاریخ می‌خواند و به بررســـی زندگی پرماجرای ابراهیم Z می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که:

«پدیده‌ها و دستاوردهای بزرگ تاریخ، حاصل زندگی انسان‌های طفیلی و مفت‌خوار نبوده؛ بلکه محصول رنج‌های فراوانِ مردان بزرگ و صبور و مقاومی‌اســـت که در گذرگاه

پرخم‌وپیچ زندگی، با پایمردی و مُقاوَمت از میان صخره‌ها، زمزم حیات را جاری ساخته و از اعماق ظلمت و تاریکی‌ها، فروغَ ابدیت را روشن کرده و در دل یأس و ناامیدی‌ها، کعبهٔ امید و آرزوی دل‌ها را آباد کرده‌اند.»

بخش دیگر این پیام‌ها، پیام‌های همدردی‌است که یا به‌مناسبت شهادت و وفات دلیرمردی و یا صاحب قلم و صاحب نفوذی نوشته شده‌است و یا هم عنوانی ملّتش به‌مناسبت حادثه و رویداد المناکی نوشته شده و یا هم به‌مناسبت رویداد المناکی که تعلقاً به امّت اسلامی و یا مردم جهان دارد، نوشته شده‌است که در مجموع این بخشی از این پیام‌ها می‌رساند، استاد مردی نبود که از درد مردم و امّت و بشریّت فارغ و غافل باشد.

بخش آخری این مجموعه که در ذیل عنوان پیام‌های متفرقه جمع شده‌اند، در برگیرندهٔ دو پیام است که یکی آن به‌مناسبت همایش جوانان حزب سعادت ترکیه در شهر ازمیر آن کشور دایر شده بود نوشته شده‌است و دوّمی آن عنوانی صدر اعظم پاکستان نوشته شده که یک پیام امتنانیه‌است.

به هررو؛ کارِ ما در این اثر این است: در گام نخست؛ پس از پیاده‌کردنِ متن نبشته، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به ویرایش می‌زنیم و از آن بعد در کِنار مُعَرّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل‌قول‌ها، ترجمهٔ آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل‌توضیح، تدوین رویکردها، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیمِ وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

نکته‌ای را که نباید فراموش کرد، اینکه ما به این دلیل

که همه پیام‌ها را به‌صورتِ مکمل تاکنون در اختیار نداشتیم؛ لذا نتوانســـتیم ترتیب زمانی را در پیام‌ها مراعات کنیم، ما را از این بابت معذور دارید.

در مجموع این پیام‌ها در سطور اندکی از یک‌سو مفاهیم بزرگی را بازتاب می‌دهد و از سوی دیگر این پیام‌ها از عمق چیرگی نویسنده بر قلم سخن‌ها دارد.

به‌هررو؛ امیدِ ما این اســـت که این پیام‌ها بتواند؛ چون گذشته‌ها در بیدارگری و هدایتگری نسل امروزی ما - نیز- مُمِّد واقع شود.

وَمَا ذَلِکَ عَلَی اللّٰه بِعَزِیز.

پیام‌های آزادی (۸ ثور و ۲٤ حوت)

به‌مناسبتِ هشتم ثور؛
هجدهمین سالروز پیروزی مجاهدین

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال دهم، شمارهٔ پنجم؛
دوشنبه، ٦ ثور ١٣٨٩ هـ ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿..فَاعْتَبِرُواْ يااُوْلِی الأَبْصَارِ﴾[1]

روز چهارشنبهٔ این هفته؛ هشتم ثور سالگرد پیروزی مجاهدین است. این روز یکی از افتخارات تاریخ ملّت آزادی‌خواه و دین‌پرور افغانستان است. در این روز تأمین استقلال افغانستان و شکست متجاوزین شوروی تثبیت گردید. شوروی‌ها -که برای حمایت مزدوران خویش و اهداف استعماری کشور ما را اشغال کردند- از هیچ جنایتی در حق مردم ما دریغ نکردند، حدود دو میلیون شهید، میلیون‌ها مهاجر و خانه‌به‌دوش، تخریب اکثر روستاهای کشور، دستاورد این تجاوز بود.

این روز تجسّم آزادی‌خواهی ملّت مجاهد و سرفراز افغانستان است. روزی‌است که مردم دربند افغانستان، به

۱. حشر / ۲. ﴿هُوَ الَّذِی أَخْرَجَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ مِن دِیَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنتُمْ أَن یَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ یُخْرِبُونَ بُیُوتَهُم بِأَیْدِیهِمْ وَأَیْدِی الْمُؤْمِنِینَ فَاعْتَبِرُوا یَا أُولِی الأَبْصَارِ﴾ (اوست کسی‌که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند، در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد، گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهای‌شان در برابر الله مانع آن‌ها خواهد بود [ولی] الله از آنجایی‌که تصوّر نمی‌کردند، بر آنان درآمد و در دل‌های‌شان بیم افکند، [به‌طوری‌که] خود به‌دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌کردند، پس ای دیده‌وَران عبرت گیرید.)

آرمـــان دیرین خود؛ یعنـــی آزادی وطن -که آرزوی صدها هزار شهید و معلول و یتیم بود- دست یافتند.

مجاهدیـــن در این روز به‌عمر رژیمـــی پایان دادند که توسّـــط یک «کودتای خونین»[1] قدرت را در دست گرفت. کودتاچیـــان در صدد این بودند کـــه برنامه‌های وارداتی را که با ارزش‌های دینیِ و ملیِ مردم ما ســـازگاری نداشت، با خشونت و استبداد کم‌نظیر پیاده سازند. آنان ده هزار هم‌وطن بی‌گناه و بی‌دفاع ما را به زنجیر کشـــیدند، با بی‌رحمانه‌ترین صورت، حقوق انسانی آنان را پامال کردند و شمار زیاد آنان را بدون محاکمه در گورهای دسته‌جمعی مدفون ساختند.

هشـــتم ثور؛ پیام‌آورِ یک انقـــلاب اجتماعی بوده، پیام برادری و برابری شـــهروندی همهٔ باشـــندگان این سرزمین و رســـمیت‌یافتن حقوق مســـاویانهٔ تمام مردم جامعهٔ ما در مدیریت و سیاست کشور.

پیروزی مجاهدین در هشـــتم ثور سال ۱۳۷۱ و تشکیل حکومت مجاهدین، دارای مشـــروعیت غیر قابل انکار ملی و بین‌المللـــی بود؛ امّا متأســـفانه پیروزی هشـــتم ثور -که آرمان شـــهدا، معلولان، مجاهدان و مردم افغانستان بود- در همان نخســـتین روزهای خطرناک و پیروزی. با چالش‌ها و دشـــواری‌های بزرگی روبه‌رو شد. برخی کشورهای منطقه و قدرت‌های بـــزرگ -که ایجاد یک افغانســـتان باثَبات و قدرتمند، دارای امنیت و شـــگوفایی اقتصـــادی را با منافع استراتژیک خویش سازگار نمی‌دیدند- از هیچ تلاشی برای بی‌ثَبات‌کردن حکومت مجاهدیـــن دریغ نکردند. همگام با مداخلات خارجیان، گروه‌های فریب‌خورده با سوء استفاده

---

۱. برای معلومات بیشتر، در مورد کودتای خونین ۷ ثور ۱۳۵۷هـ ش، به فصل پنجم، کتاب «جنگ افغانســـتان و شـــوروی عامل فروپاشی کمونیزم» از امیر اعتماد دانشیار، ص: ۵۵ - ۵٦، مراجعه شود.

از ارزش‌های دینی و با خواســـته‌های گروهی و شـــخصی، در خدمت دشمنان درآمدند، که ســـرانجام باعث تضعیف حکومت مجاهدین و ایجاد مصیبت‌هـــای زیاد برای مردم ما شد.

مجاهدین و مردم افغانستان به‌صورتِ ناخواسته مجبور گردیدند با این چالش‌ها و دشواری‌ها، دست‌وگریبان شوند و بـــاز هم برای دفاع از اســـتقلال وطن و دفاع از مردم، در برابر متجاوزان و مزدورانِ آنان مُقاوَمت کنند.

متأسفانه آن زلزله‌ای‌که در هفتم ثور ۱۳۵۷ کشور ما را فرا گرفت، تا هنوز آرام نگرفته‌اســـت، هنوز هم صدای فیرِ گلوله‌هـــا، از جنگ و ناآرامی و خون‌ریزی حکایت می‌کند، هنـــوز هم کودکان یتیم می‌شـــوند و مـــردم به خاک‌وخون می‌غلتند، هنـــوز هم فقر و بیکاری، گلوی شـــمارِ فراوانی از هموطنـــان را می‌فشـــرَد، هنوز هم ما بـــه امنیت و یک حکومت باثَبات و ادارهٔ ســـالم دســـت نیافته‌ایم، هنوز هم قدرت‌هـــای بیرونی برای مردم ما در تاریک‌خانه‌ها نقشـــه می‌کشـــند. متأســـفانه کمک‌های خارجـــی و توجّه جامعهٔ جهانی نتوانسته‌اســـت، امیدها و توقعات مردم را که نُه‌سال پیش به‌میان آمد، برآورده ســـازد؛ امّا با این همه ناراحتی‌ها و تلخی‌هایی‌کـــه ما هنوز هم، با آن روبه‌رویم، باید لحظه‌ای بیندیشـــیم و به یاد بیاوریم که هـــزاران فرزند صِدِّیق وطن که -برای آزادی، ســـرفرازی و خوشبختی مردم افغانستان- جان‌های شـــیرین و ســـلامتی خویش را فـــدا کردند، دَین بزرگی بر ما دارند، باید به‌خاطر ادای این دَین، هشـــتم ثور روز پیـــروزی مجاهدین را گرامی بداریـــم و خاطرهٔ آن را همچنان زنده نگه داریم.

دولت وظیفه دارد از این روز و سایر روزهای تاریخی، مانند: هفتهٔ شـــهید، ســـالروز قهرمان ملی کشور، به‌صورتِ

شایسته تجلیل کند و به قربانی‌های بی‌دریغ شهدا، معلولین و مجاهدین ارج بگذارد.

روح شهدا شاد و یادشان گرامی باد.

به‌مناسبتِ هشتم ثور؛

هفدهمین سالروز پیروزی مجاهدین

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال هشتم، شمارهٔ پنجم؛

۵ ثور ۱۳۸۸ هـ ش.

بسْـــمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحيم * ﴿وَنُرِيـــدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الذِينَ اَسْتُضْعِفُواَ فِى الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوَارِثِينَ﴾[1]

هفدهمین سالروز پیروزی مجاهدین را برای مردم افغانستان، خاصتاً به مجاهدین، معلولیـــنِ جِهاد و خانواده‌های محترم شهیدان مبارکباد می‌گویم.

ملّت مســـلمان افغانستان همیشـــه در برابر اشغالگران و دشـــمنانی‌که دست تجاوز بر ســـرزمین ما دراز کردند و استقلال و کرامت مردم ما را با تهدید روبه‌رو ساختند، به‌پا خاســـته و با ایثار و قربانی از ســـرزمین و استقلال خویش دفاع کردند، ایـــن آزادی‌خواهی و ایثارگـــری مایهٔ افتخار و ســـرفرازی ملّت ماســـت. یکی از این افتخارات، جِهاد و مُقاوَمت در برابر تجاوز اتحاد شـــوروی و رژیم وابسته بود که یکجا با متجاوزین و اشـــغالگران دســـت به کشتار مردم

۱. قصص / ۵. (و خواســـتیم بر کسانی‌که در آن سرزمین فرودست‌شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.)

. این اصطلاح عبارت کامل آن، «اتّحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» است. به کشـــوری گفته می‌شـــد که پس از پیروزی انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷م، به‌دست لنین بنیان نهاده شـــد و در تاریخ ۲۵ دســـامبر ۱۹۹۱م، رسماً منحل گردید و جمهوری‌های آن به پانزده کشـــور مستقل تقسیم شدند. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ٦٥.

زدند.

حقانیّت جهاد افغانستان مورد توافق اکثریت قریب به‌اتفاق مردم ما قرار گرفت. آن اجماع رأیی‌که در جهاد افغانستان به‌میان آمد، در تاریخ کشور ما بی‌سابقه‌است. اکثریت قاطع مردم افغانستان در جهاد سهم گرفتند و قربانی دادند، دو میلیون شهید، میلیون‌ها زخمی و معلول و میلیون‌ها مهاجر و آواره، قربانی‌های بزرگی بود که ملّت افغانستان برای جهاد پرداخت.

جهاد افغانستان که سال‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رودیداد بین‌المَللی مطرح بود و الگوی پیروزمند آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی را در جهان، مخصوصاً در مَیان کشورها و ملّت‌های مسلمان به‌میان آورد. کشورها و گروه‌های در سطح منطقه و جهان در برابر آن به مخالفت برخاستند، این دشمنان با طرح‌های درازمدت، مشغول دسیسه‌سازی علیه جهاد بودند، در نتیجهٔ این دسیسه‌ها و همچنان در نتیجهٔ عملکرد عاقبت‌نیندیشانه و خودسرانهٔ شماری از گروه‌ها و عناصر خودخواه، حکومت مجاهدین نتوانست در جهت تحقق آرمان‌های جهاد به‌صورت مطلوب توفیق حاصل کند و متأسفانه وضَعیت کشور بَه‌سوی حالت ناخواسته و نامطلوبی پیش رفت؛ امّا به‌رغم اتهام‌هایی‌که گروه‌ها و عناصر مغرض علیه مجاهدین عنوان می‌کنند، جهاد دستاوردهای بزرگی برای جامعهٔ افغانستان به ارمغان آورد.

در نتیجهٔ پیروزی مجاهدین، استبداد تاریخی و درازمدت حاکم بر کشور فرو ریخت، راه برای تغییرات اساسی سیاسی و اجتماعی هموار شد و امکان تحقق عدالت و برابری برای همهٔ شهروندان افغانستان مُیَّسر گردید. در نتیجه گروه‌های محکوم جامعهٔ افغانستان توانستند، به حقوق انسانی و ملی خویش دست یابند.

شرکت مردم در سرنوشت کشور که اکنون یک پیروزی برای حکومت کنونی دانسته می‌شود، دستاورد جِهاد است.

جهاد افغانستان الگوی عملی برای وحدت ملی افغانستان به‌میان آورده‌است، اکنون این الگو می‌تواند سرمشقی باشد برای ساختن یک افغانستانی‌که در آن همه شهروندان، به‌صورتِ برادر و برابر، در پهلوی هم قرار گیرند و وطن‌شان را به‌سوی آبادی و پیشرفت رهنمون شوند.

شهدا و معلولین و بازماندگانِ آنان، دَین بزرگی بر گردن نسل کنونی دارند، مسئولیت همهٔ ماست که یاد و خاطرهٔ جاویدان مبارزات حمّاسه‌آفرین مجاهدین را گرامی بداریم و از آرمان‌های اسلامی و ملی آنان پاسداری کنیم.

درود بر روان همه شهیدان جِهاد افغانستان.

برهان‌الدین ربانی
کابل، جمعه ٤ ثور ۱۳۸۸ هـ ش.

به‌مناسبتِ قیام ۲٤ حوت

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال اوّل، شمارهٔ ۱۸؛

دوشنبه، ۲٦ حوت ۱۳۸۱ هـ ش.

در میـــان حـــوادث تاریخـــی کشـــور عزیزمـــان، قیام خونیـــن دلیرمردان و شـــیرزنانِ بافرهنگ هراتِ باســـتان،[1] نقطهٔ عطفی‌است در رســـتاخیز بزرگ اسلامی و ملی ملّت افغانستان؛ که سرانجام منجر به شکست تهاجم قشون سرخ گردید.

من در حالی‌که خاطرهٔ همیشه‌جاویدِ این قیام را گرامی داشـــته و به روان پاک شـــهیدان درود و به وارثانِ باثَبات و صلابت و مردم حمّاسه‌آفرین هرات، ابراز تسلیّت می‌نمایم؛ متذکر می‌شـــوم که اگر فرزندان آزاده و مؤمن افغانستان در چنین قیام‌های خونین شـــرکت نمی‌جســـتند و به دفاع از استقلال و آزدی، دین و فرهنگ خویش جان‌های شیرین‌شان را قربان نمی‌کردند، دیگر امروز افغانســـتانِ مستقل و ملّت آزاد آن را نمی‌داشتیم.

اشـــغالگران خارجی و عُمّالِ خودفروخته و ذلیل آنان تصوّر می‌کردند که با ســـرکوبی بی‌رحمانه و کشتار زنان و

---

۱. هرات؛ در شـــمال‌غرب افغانســـتان موقعیت دارد و مرکز آن شـــهر هرات است. مساحت آن ۵۵۸٦۸،۵۳ کیلومتر مربع و جمعیّت آن قرار احصائیهٔ سال ۱۳۹۱هـــ ش، حدود ۱٦۷٦۰۰۰هزار نفر تخمین شده‌اســـت. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۹۲ – ۹۰۷.

کودکان، ترس و وحشت ایجاد می‌کنند و مانع گسترش قیام می‌گردند، غافل از اینکه توفان خشم ملّت‌های آزاد مهارپذیر نیست. و چون ملّتی اراده کند، تا آزاد و سربلند زندگی کند، همه موانع را از سر راه خود نابود و همه قیدها و زنجیرها را درهم می‌شکند و از قلب ظلمت‌ها و ناامیدی‌ها، شعله‌های فروزان نور و امیدواری را به درخشیدن فرا می‌خواند.

آری؛ کشتارهای دسته‌جمعی و سیلاب‌های خونِ حمّاسه‌آفرینان مظلوم هرات، عامل عمده در قیام مردم در همه اطراف و اکناف کشور گردید. در سالگرد این قیام خونین، در حالی‌که از این حمّاسه تمجید و به روان شهدا درود و بر سرکوبگران نفرین می‌فرستم، تأکید باید کرد که حق شهیدان جاویدِ این قیام، تنها به این ادا نمی‌شود که فقط در حق‌شان دعا کنیم و گاه‌گاهی ذکری از آنان بکنیم، آنان آرمان و پیامی داشتند، به‌خاطر دفاع از آزادی و استقلال، دین و فرهنگ، سرفرازی و عزّت ملّت خویش، جان‌های شیرین‌شان را فدا کردند، اینک بر وارثان این شهیدان است که اجازه مدهند که شعله‌های حق و آزادی را که به خون خویش روشن ساخته‌اند، خاموش گردد.

درود بر روان شهدای عزیز ۲٤ حوت
سلام بر حمّاسه‌آفرینان هرات باستان

پیامِ رمضانی

به‌مناسبتِ فرارسیدن ماه مبارک رمضان

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور هفتم، سال پنجم، شمارهٔ نزدهم؛

شنبه، ٢٤ سنبله ١٣٨٦ هـ ش.

در آغـــاز؛ حلول پرمیمنت ماه مبارک رمضان را به همهٔ هموطنان متدّین خویش و امّت اســـلامی تبریک می‌گویم و از بارگاه ایزد منان اســـتدعا می‌کنم، این ماه را سبب خیر و برکت و باعث سعادت و سرافرازی ملّت ما و همهٔ مسلمانان جهان بگرداند.

روزهٔ ماه مبارک رمضان – که با نزول آیهٔ مبارکهٔ:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾[1]

به روز دوشـــنبه، ســـال دوّم هجرت فرض گردید– از ارکان عمدهٔ دین و از شعایر و عبادتی‌است که در میان ادیان یهودیت و مسیحیّت و آیین مصریان قدیم[2] و بَرَهَمَن‌ها[3] نیز

---

۱. بقره / ۱۸۳. (ای کســـانی‌که ایمان آورده‌اید. روزه بر شـــما مقرر شده‌است – همان‌گونه که بر کســـانی‌که پیش از شـــما [بودند] مقرر شده بود– باشد که پرهیزگاری کنید.)

۲. مصریان باستان بیش از سه هزار سال تاریخ پیوسته داشته و این مدت دراز فزونتر از مدتی‌است که از عصر «ارسطو» تا زمان «انشتین» بر اروپا گذشته‌است. در بارهٔ مصریان این نکته بســـیار مهم اســـت که در نخستین دوره‌های تاریخ خود دانســـته‌های بسیار فراهم آوردند و از آن پس پیشرفت آگاهی آنان بسیار اندک بود. نگاه: سرگذشـــت تمدّن، ص: ٤٣ و تاریخ تمدّن‌های قدیم شـــرق، ص: ١٣ – ٤٢.

۳. بَرَهمَن؛ در سانسکریت، به‌معنای مطلق پیشوایان روحانی، یکی از سه طبقهٔ

وجود داشت.

پیامبر گرامی Y در آخرین روز شعبان، در جمعی از اصحاب و یاران خویش، در آستانهٔ فرارسیدن ماه رمضان فرمودند:

«ای مردم! ماه مبارک و بزرگی از راه رسیده‌است. ماهی‌که در آن شبی‌است بهتر از هزار شب، ماهی‌که خداوند روزه‌گرفتن را در آن فرض گردانیده و قیام شبانه را مستحب قرار داده‌است. در آن ماه هرکسی، هرگونه خیری را انجام دهد، همانند واجب و فریضهٔ ماه‌های دیگر پاداش می‌بیند. کسی‌که واجبی را در آن عَمَلِی کند، به اندازهٔ هفتاد فریضهٔ ماه‌های دیگر است. این ماه، ماه صبر می‌باشد و پاداش صبر بهشت است. ماه دستگیریِ و همکاریِ و یاری‌است. روزیِّ مؤمنان در آن افزون می‌گردد.»[1]

در حدیثی از پیامبر Y آمده‌است:

«هرکس روزه‌داری را افطاری بدهد، سبب بخشش

مردم در آیین برهمایی، بت‌پرست و زناربند و حکما و دانشمندان و پیر و مرشد بت‌پرستان و هندوان و آتش‌پرستان و اصیل و نجیب هنود را - نیز- بَرَهمَن گویند. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

۱. این برشی از این حدیث مبارک است: ﴿یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ أَظَلَّکُمْ شَهْرٌ عَظِیمٌ، شَهْرٌ مُبَارَکٌ، شَهْرٌ فِیهِ لَیْلَةٌ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، جَعَلَ اللهُ صِیَامَهُ فَرِیضَةً، وَقِیَامَ لَیْلِهِ تَطَوُّعًا، مَنْ تَقَرَّبَ فِیهِ بِخَصْلَةٍ مِنَ الْخَیْرِ کَانَ کَمَنْ أَدَّی فَرِیضَةً فِیمَا سِوَاهُ، وَمَنْ أَدَّی فَرِیضَةً فِیهِ کَانَ کَمَنْ أَدَّی سَبْعِینَ فَرِیضَةً فِیمَا سِوَاهُ، وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ، وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ، وَشَهْرُ الْمُوَاسَاةِ، وَشَهْرٌ یُزَادُ فِی رِزْقِ الْمُؤْمِنِ، مَنْ فَطَّرَ فِیهِ صَائِمًا کَانَ لَهُ مَغْفِرَةً لِذُنُوبِهِ، وَعِتْقَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ، وَکَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَیْرِ أَنْ یُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِ شَیْءٌ، قُلْنَا: یَا رَسُولَ اللهِ، لَیْسَ کُلُّنَا یَجِدُ مَا یُفَطِّرُ الصَّائِمَ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ Y «یُعْطِی اللهُ هَذَا الثَّوَابَ مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا عَلَی مَذْقَةِ لَبَنٍ أَوْ تَمْرَةٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ، وَمَنْ أَشْبَعَ صَائِمًا سَقَاهُ اللهُ مِنْ حَوْضِی شَرْبَةً لَا یَظْمَأُ حَتَّی یَدْخُلَ الْجَنَّةَ، وَهُوَ شَهْرٌ أَوَّلُهُ رَحْمَةٌ، وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَآخِرُهُ عِتْقٌ مِنَ النَّارِ مَنْ خَفَّفَ عَنْ مَمْلُوکِهِ فِیهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ» زَادَ هَمَّامٌ فِی رِوَایَتِهِ: فَاسْتَکْثِرُوا فِیهِ مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ، خَصْلَتَانِ تُرْضُونَ بِهَا رَبَّکُمْ، وَخَصْلَتَانِ لَا غِنَی لَکُمْ عَنْهُمَا، فَأَمَّا الْخَصْلَتَانِ اللَّتَانِ تُرْضُونَ بِهَا رَبَّکُمْ: فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَتَسْتَغْفِرُونَهُ، وَأَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَی لَکُمْ عَنْهُمَا فَتَسْأَلُونَ اللهَ الْجَنَّةَ، وَتَعُوذُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ، «لَفْظُ حَدِیثِ هَمَّامٍ وَهُوَ أَتَمُّ»﴾ نگاه: شُعب‌الإیمان، شمارهٔ حدیث: ۳۳۳۶.

گناهانش می‌شود و خود را از آتش دوزخ نجات می‌بخشد و همانند همان روزه‌دار ثواب خواهد داشت، بدون آنکه از ثواب و پاداش او چیزی کم شود.»[۱]

در حدیث دیگری آمده‌است:

«همهٔ کارهای فرزندان آدم برای خود آنان است، به غیر از روزه که به‌راستی به‌خاطر من است و خود پاداش آن را می‌دهم - روزه سپر مصونیت است. هرگاه روزه‌دار بودید، سخن زشت و ناسزا مگویید و شور و فریاد مکنید - هرگاه شخصی، روزه‌داری را فحش و ناسزا گوید، یا با او منازعه و جدال کند، در جوابش بگوید: من روزه دارم، من روزه دارم. سوگند به آنکه جان محمّد در دست اوست، تغییر بوی دهن روزه‌دار نزد خداوند از بوی مشک بهتر است. روزه‌دار دو فرصت فرحت‌انگیز را در پیش دارد، یکی زمان افطار؛ دوّم آن‌گاه که به لقای الهی مشرف می‌شود.»[۲]

آیات بینّات قرآن و احادیث پیامبر گرامی Y گویایی این حقیقت است که روزهٔ ماه مبارک، مانند دیگر طاعت‌ها و عباداتی‌که مؤمنان به ادای آن مکلّف‌اند، خدا را بدان حاجت و نیازی نیست و اگر حاجت و نیازی در میان است، همانا نیازمندی انسان به انجام این عبادت‌هاست؛ تا از طریق طاعت و عبادت، رابطهٔ انسان با خدایش، مبدأ لطف و رحمت حفظ گردد، چه انسانی جدا از پیوند و

۱. لفظ حدیث مبارک این‌گونه‌است: ﴿عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ Y : مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِمْ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْءٌ﴾ نگاه: سنن ابن ماجه، شمارهٔ حدیث: ۱۷٤٦.

۲. لفظ حدیث مبارک این است: ﴿حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ أَخْبَرَنَا ابْنُ جُرَيْجٍ أَخْبَرَنِي عَطَاءٌ عَنْ أَبِي صَالِحٍ الزَّيَّاتِ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ ~ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللهِ Y «قَالَ اللهُ (كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلاَّ الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلاَ يَرْفُثْ يَوْمَئِذٍ وَلاَ يَسْخَبْ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا إِذَا أَفْطَرَ فَرِحَ بِفِطْرِهِ وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ﴾ نگاه: صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۲۷٦۲.

رابطه با مبدأ هستی و دور از محیط هدایت و رعایت الهی، مخلوقی‌است همیشـــه در معرض سقوط و تباهی، ضلالت و گمراهی:

﴿..وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾[1]

بلی، سرنوشـــت انســـان مشـــرک و بریده از رابطه با آفریدگار هســـتی؛ به موجودی می‌ماند که از بلندای آسمان عَظَمَت و جلال، رو به زمین ســـقوط و ضلالت فرو می‌افتد و در این مسیر سقوط، یا شکار اختطاف طایری می‌گردد و یا سرراست در پرتگاه عمیق، سقوط می‌کند و نابود می‌شود. آن‌چنان که شـــرک و بی‌خدایی عامل سقوط و تباهی‌است، عصیانگری و ارتکاب گناه از ســـوی انســـان‌های به ظاهر معتقد و تسلیم‌شـــدن آنان به غرایز سرکش حیوانی - نیز- خطر جدّی‌است که زندگی، رفاه و امنیت افراد و جوامع را سخت تهدید می‌کند.

به‌راســـتی وقتی‌که تاریخ انسان و حوادث را در جوامع انسانی بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که تنها حوادث طبیعی؛ چـــون: توفان‌ها، زلزله‌ها، طاعون‌ها و ســـونامی‌ها نیست که حیات انسان را در روی زمین تهدید می‌کنند؛ بلکه تهدیدهایی‌که از جانب افراد مغرور و ســـرکش و گروه‌های منحرف متوجّه بشریّت شده و می‌شود، هولناک‌تر است.

از همین‌جاســـت که اســـلام به‌عنوان دین هدایت‌گر و رهایی‌بخـــش کتله‌های انســـانی، در حالی‌که همهٔ ابنای آدم را به توحید و خداپرســـتی دعـــوت می‌کند، جهت اصلاح مؤمنـــان طاعات و عباداتی را بر آنان فرض کرده‌اســـت؛ تا

---

۱. حج / ۳۱. ﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْـــرِكِينَ بِهِ وَمَن يُشْـــرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّـــمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْـــوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَـــحِيقٍ﴾ (در حالی‌که گروندگان خالص به الله باشید، نه شریک‌گیرندگان [برای] او و هرکس به الله شـــرک ورزد. چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان [شکاری] او را ربوده‌اند، یا باد او را به‌جایی دور افکنده‌است.)

از این طریق غرایز حیوانی و کشـــش‌های نفسانی آنان مهار شـــده و در مســـیر تقوی و طهارت، خیر و فضیلت سوق گردند و یقیناً در پناه تقوی و عبادت اســـت که انسان مؤمن پا بر نردبان عروج و کمال انسانی و به‌عنوان تاج آفرینش و خلیفهٔ خدا در زمین، به مقام شایستهٔ خویش نایل می‌گردد.

از جملهٔ این عبادات، یکی هم روزهٔ ماه مبارک رمضان اســـت. اینکه ماه رمضان چه فضایـــل عالی و خصوصیات بـــارز دارد و فرضیت روزه در این ماه، جایگاه و مقام آن را تا چه حد مهم ساخته‌اســـت، در این‌جا تماس نمی‌گیرم و فقط به نفس روزه و اهمیت آن در اصلاح روزه‌دار اشارات مختصری می‌کنم:

– روزه؛ تربیتگاه تقوی و طهارت و مدرسهٔ رشد اخلاق و فضیلت اســـت و چنانچه می‌دانیم مطابق به هدایت پیامبر گرامی Y :

«تقـــوی مـــلاک حســـنّات و زیربنـــای همـــهٔ فضایل انسانی‌است.»

تقوی مؤمن را از حریم حرام دور نگهداشته و در برابر ارتکاب معاصی برایش مصونیت فراهم می‌کند؛

– روزه؛ مؤمن را درس صبر و اســـتقامت بخشـــیده و در برابر شـــداید حیات، توان تحمّل و قوّت، عطا می‌کند و معمولاً شخصیت‌های بزرگ تاریخ، صاحبان صبر و تصمیم بوده‌اند؛

– روزه به انســـان قوّت اراده و درس پایبندی به نظام و انظبـــاط می‌دهد. پایبندی به نظام و تَبَعیّت از نظم و قانون از هدف‌های عمدهٔ دولت‌ها و نظام‌های مختلف گذشـــته و معاصر است؛

– روزه؛ احساس و عاطفهٔ انسانی را بیدار و مَلَکهٔ خیر و احسان را تقویت می‌بخشد و بدون تردید، انسان‌های عاری

از عاطفه و احســـاس، مصیبتی‌اند هم برای خود و هم برای جامعۀشان؛

– روزۀ ماه رمضان احســـاس حضور و نظارتِ خداوند را در وجدان و ضمیر انسان ایجاد کرده، سلیقۀ رازداری بنده با پروردگارش را آموزش می‌دهد؛

– روزه پایبنـــدی به‌عفّـــتِ زبان و طهـــارتِ وجدان و سلامت سلوک را در تمامی عرصه‌های حیات تعلیم می‌دهد؛

– روزه عامل عمده و وسیلۀ مهم مهارساختنِ کشش‌های اغواگر نفســـانی و کنترول غرایز سَـــرکش جسمانی‌است – چنانچه رسول اکرم Y ، جمعی از جوانان را مخاطب قرار داده فرمودند:

«اگر توان مالی دارید ازدواج کنید، در غیر آن خود را به روزه‌گرفتن عادت دهید.»؛[1]

– روزه آموزگار عزّت و کرامت و عامل قوّتِ شخصیت است – تلاوت قرآن‌کریم سرچشمۀ نور و هدایت است. در دوران شـــب و یا روز، قلب و روح مؤمن را از زمزم عرفان و معنویت سیراب می‌سازد.

برادران و خواهران متدّین!

اینَک ماه مبـــارک رمضان؛ ماه خیر و برکت و غُفران و رحمت فرا رسیده‌است، دروازه‌های رحمت به‌روی بندگان باز گردیده و شـــیاطینِ اغواگر هم در بند زنجیر و سَلاسِل قرار گرفته‌اند[2] و فریضۀ روزه به‌عنوان وســـیلۀ مؤثر جهت مهارکردن غرایز و هواهای گمراه‌کُن، در اختیار همۀ مؤمنان

---

۱. منظور؛ این سخن رسول الله Y است که می‌فرماید: ﴿يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْـــتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ﴾ نگاه: صحیح‌البخاری، شمارۀ حدیث: ۵۰۶۵.

۲. اشـــاره به این حدیث مبارک دارد که می‌فرماید: ﴿قَالَ: رَسُـــولُ اللهِ Y إِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ، وَسُلْسِلَتِ الشَّيَاطِينُ﴾ نگاه: صحیح‌البخاری، شـــمارۀ حدیث: ۳۲۷۷ و صحیح مسلم، شمارۀ حدیث: ۱۰۷۹.

قرار گرفته‌است؛ مگر حیف نیست که از این همه شرایط و الطاف و عنایات پروردگار – که رایگان در خدمت مسلمانان قرار گرفته‌است– استفادهٔ شـــایان نکنیم و این فرصت‌ها را ضایع کنیم؟!

اگر نمی‌توان در جریان این ماه، در پناه تقوی و طاعات، عنوان انســـان‌های فرشـــته‌خصال را دریافت و جوامع خود را مدینه‌های فاضله ســـاخت –که یقیناً در محیط معنوی و سازندهٔ رمضان این آرزو مُیّسر است؛ ولی با این هم اگر به این هدف دسترسی حاصل نشود– کم‌ازکم باید تغییری در سلوک افراد و جامعهٔ خود ایجاد کنیم؛ تا طاعات و عبادات ما در ماه مبارک رمضان، فقط در تشریفات ظاهری خلاصه نگردد.

دعا می‌کنـــم، خداوند توانا ملّت مـــا را از فُیوض این ماه مبارک رمضان و فضایل عبادت روزه بهره‌ور ســـازد و رحمت و مغفرتش را شامل حال ملّت ما گرداند.

وَمَا ذَلِکَ عَلَی اللّٰهِ بِعَزِیز

پیام‌های عیدی

به‌مناسبتِ فرارسیدن عید سعید فطر

هفته‌نامۀ مجاهد؛ دور هفتم، سال پنجم، شمارۀ ۲۳؛

پنج‌شنبه، ۱۹ میزان ۱۳۸٦ هـ ش.

حلول عید سعید فطر را به هموطنان متدّین خویش و همه مسلمانان جهان مبارکباد می‌گویم، از بارگاه ایزد منان به‌دست دعا نیازمندم که طاعات و عبادات و صیام و قیام ما را قبول و فرارسیدن عید فطر را روزنه‌ای برای سعادت و سربلندی و رَفاه و آرامی مردم ما قرار بدهد.

فرارسیدن عید و از سرگرفتن حیات عادی و استفاده از نعَمات الهی، بعد از یک ماه روزه و مهارساختن همه غرایز، بیانگر این حقیقت است که حیات در اسلام، تابلوی یک‌رنگ و سیر یک‌نواخت و مکرّر نیست و به تعبیر پیغمبر Y :

﴿..سَاعَةً وَسَاعَةً﴾[1]

زمانی بر اوجنای تجرّد، غرق راز و نیاز، عشق و عبادت و سیر بر بلندای لاهوت[2] و معنویت و گاهی هم سرگرم

---

۱. لفظ حدیث مبارک این‌گونه‌است: ﴿وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ إِنْ لَوْ تَدُومُونَ عَلَی مَا تَکُونُونَ عِنْدِی وَفِی الذِّکْرِ لَصَافَحَتْکُمُ الْمَلَائِکَةُ عَلَی فُرُشِکُمْ وَفِی طُرُقِکُمْ وَلَکِنْ یَا حَنْظَلَةُ سَاعَةً وَسَاعَةً﴾ (سوگند به او که جان من، در دست اوست. اگر بدین حالت و ذکری که در پیش من هستید، ادامه دهید. فرشتگان با شما در بسترها و جاده‌ها دست می‌دهد؛ مگر ساعتی این و ساعتی آن) نگاه: صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۷۱۴۲.

۲. لاهوت. (ع اِ) (مشتق از الله، مفاتیح) الوهة و اصل آن لاه باشد و واو و تاء

استفاده از زینت‌های زندگی و زیبایی‌های آفرینش است.

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ..﴾[1]

(بلی؛ چون از نماز فارغ شدید، به‌دنبال کسب و کار روان شوید و از فضل و احسان خداوند بهره گیرید.)

فرارسیدن عید فطر متصلِ ماه صیام، بیانگر فرهنگ غنامندی و چندبعدی این دین است. بدین معنی که مسلمانان در سیر تکاملی و رسیدن به کمال انسانی، اگر با ترک حظوظ[2] نفسی و نِعَمات مادی گام مهم در این مسیر می‌گذارند، از طریق نِعَمات مادی و استفادهٔ مشروع، رضای پروردگار را جست‌وجو و گام دیگر بر نردبان کمال می‌نهند و این فرمان الهی را -که پیامبر گرامی Y هدایت داده‌است- به‌جا می‌آورند که فرموده‌است:

﴿..إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، إِنَّ لِزَوْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَأَعْطِ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ..﴾[3]

یقیناً از نظر اسلام، آن‌چنان‌که ادای عبادات تطبیق فرمان پروردگار است، توجّه و رعایت به سلامتی بدن و ادای حقوق خانواده و انجام رسالت مردمی - نیز- از جملهٔ

بدو ملحق شده‌است، نمودن مبالغه را چنان‌که در جبروت. اگر از کلام عرب است مشتق از «لاه» خواهد بود بر وزن فعلوت مانند رَغبوُت. (منتهی الأرب). خدای تعالی. (تاج العروس). عالم خدای. (دهار). غیب. عالم امر. عالم غیب. عالم معنوی. جهانِ بود. مقابل ناسوت. عالم إله. طبیعت الهیت. (قاموس مقدّس) به نقل از لغت‌نامهٔ دهخدا.

۱. جمعه / ۱۰. ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل الله را جویا شوید و الله را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.)

۲. حظوظ جمع حظ به‌معنای بهره‌ها.

۳. (مسلّماً که پروردگارت بر تو حقی دارد و بی‌گمان نفست هم بر تو حقی دارد، چنان‌که همسرت بر تو حقی دارد. پس حق هرصاحب حقی را به‌جا آور.) نگاه: صحیح‌البخاری، شمارهٔ حدیث: ۱۹۶۸.

فرمان‌های الهی و احکام این دین است.

و پیغمبر Y چه زیبا فرموده‌اند:

﴿عَجَبًا لأمـــر المؤمن فَإنَّ أمْرَه كُلَّـــهُ خَيرٌ وَليسَ ذلكَ لأَحَدٍ إلا للمُؤْمنِ وَإنْ أصَابَتهُ سَرَّاءُ شَكَرَ فكانتْ خَيرًا لهُ وإنْ أصَابَتهُ ضَرَّاءُ صَبرَ فكانتْ خَيرًا لهُ﴾[1]

به‌راستی معاملهٔ پروردگار با مسلمان حیرت‌انگیز است؛ چون به مصیبتی گرفتار آید، صبر کند، خدا اجر و پاداشش دهد و مصیبت ســـبب خیرش شده‌است و چون مسرّت و نعمتی برایش دست دهد، شکر می‌کند، خداوند برایش اجر و پاداش می‌دهد و این خیرِ دیگر.

پس همه احوال زشـــتَ و زیبای زندگی؛ برای مسلمان پیام‌آور خیر است و چنانچه روزه و قیام و عبادت و اِمساک از خورد و نوش و مهارســـاختنِ غرایز ســـرکشِ نفس هم در چهارچـــوب نظم و قانونی، انَجام می‌یافت، اسَـــتفاده از مسرّت‌ها و آزادی‌های عید - نیز- قانونمند و مهذب است. عید مســـلمان طغیان و تمرُّد نیســـت؛ بلکه نوع دیگری از تقوی و تجرّد است.

امیدواریم با فرارسیدن عید فطر، خوشی‌ها و مسرّت‌ها، مَحبّت‌ها و پیوندها، مقطعی و گذرا نباشـــد، مردم با ایجاد دیدارهای عید، گامی را در جهت صلح سراسری و استحکام پایه‌های فرهنگ و ارزش‌های جاویدان دینی بردارند.

به امید مســـرّت‌های مســـتمر و رفاه همگانی در پرتو اجرای فراگیرِ احکام سعادت‌آفرین دین.

---

۱. نگاه: صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۷۶۹۲.

به‌مناسبتِ فرارسیدن عید قربان

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال ششم، شمارهٔ ۳۱؛

شنبه، ٢٤ قوس ١٣٨٦ هـ ش.

هموطنان متدّین!

فرارسیدن عید سعید اضحی را به‌شما برادران و خواهران عزیز و همه امّت اسلامی، مبارکباد می‌گویم و از بارگاه اقدس الهی به‌دست دعا نیازمندم که حلول این عید بزرگ را طلیعهٔ عزّت و سرفرازی، اتحاد و همدلی و امنیت سرتاسری در کشور برقرار دهد.

اعیاد اسلامی و به‌خصوص دو عید بزرگ فطر و اضحی، در تاریخ مسلمانان از اهمیتِ خاصی برخوردارند.

عید مظهر پیوند عمیق و ناگسستنی میان دین و دنیا، ماده و معنی در تعالیم دینی‌است. اتصال زمانی این دو عید با دو رکن عمدهٔ دینی، روزهٔ ماه رمضان و حج بیت‌الله، بیانگر این حقیقت است که انسانِ کامل - در نگاه اسلام- مخلوق یک بعدی نیست، نه او فرشته‌است - که فقط بر اوجنای تجرّد و معنویت قرار داشته باشد- و نه هم شیطان -که در لجن‌زار مادیت دست‌وپا زند- او در مسیر تکاملیِ زمانی قادر به حَفظ توازن خود می‌گردد که روی خط قطارِ مادی و معنوی حرکت کند و با بیرون‌شدن از یک خط، با

سقوط و نابودی روبه‌روشدنی‌است.

برادران و خواهران عزیز!

در سال جاری با سپری‌کردن ماه تقوی و طهارت، روز صیام و قیام عید، در عید فطر به مهمانی الهی شتافتیم و از خوان احسان مادی و معنوی پروردگار بهره‌مند شدیم و اینک در آستانهٔ تجلیل از عید قربان قرار داریم.

عید قربان تنها یادبود حیرت‌انگیزترین حادثه و ماجرای تاریخ نیست؛ بلکه سرآغاز یک دورهٔ مهم و ماندگار تاریخ است، که سه دین بزرگ آسمانی - اسلام، یهودیت و مسیحیّت - آن را گرامی می‌دارند و آغازگر این دورهٔ تاریخ و نسل و سلالهٔ این عید بزرگ، به این بزرگمرد؛ یعنی ابوالأنبیاء ابراهیم خلیل Z گره خورده‌است.

حج بیت‌الله - که یکی از ارکان مهم اسلام است- نیز میراث ماندگار این پیامبر أولوالعزم است.

با بررسی در زندگی پرماجرای ابراهیم خلیل Z و کارنامه‌های بزرگش، به این نتیجه می‌رسیم که پدیده‌ها و دستاوردهای بزرگ تاریخ، حاصل زندگی انسان‌های طفیلی و مفت‌خوار نبوده؛ بلکه محصول رنج‌های فراوانِ مردان بزرگ و صبور و مقاومی‌است که در گذرگاه پرخم‌وپیچ زندگی، با پایمردی و مُقاوَمت از میان صخره‌ها، زمزم حیات را جاری ساخته و از اعماق ظلمت و تاریکی‌ها، فروغ ابدیت را روشن کرده و در دل یأس و ناامیدی‌ها، کعبهٔ امید و آرزوی دل‌ها را آباد کرده‌اند.

حیات ابراهیم Z از صبحگاه جوانی، در عراق[1] تا

۱. عراق؛ کشوری‌است که در خاورمیانه و جنوب‌غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ٤٣٨٣١٧ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ٣١٤٦٧٠٠٠ نفر تخمین شده‌است. واحد پول آن «دینار عراق»، زبان رسمی آن عربی و کُردی و پایتخت آن شهر «بغداد» است و دین رسمی آن اسلام می‌باشد. قابل ذکر است که دو رُود مشهور «دجله و فُرات» در این کشور قرار

تعمیـــر بیت‌الحرام، دفتر بزرگی از درس‌هـــا و آموزه‌ها در مسیر تکامل و عروج انسان است.

بلی؛ نوجوانی‌که از میان آتشِ اســـتبداد «نَمرُود»[۱] قامت برافراشـــت و با ارادهٔ آهنین بساطِ بتان گمراهی و ضلالت را درهم شکســـت و با تفکّر عمیق و ســـازنده، در سراپردهٔ هستی، در پی کشف اســـرار جهان شد و با منطق رسا گام در مســـیر هدایت گمراهان گذاشـــت و با قبول بزرگ‌ترین قربانی‌هـــا و صبر و تحمّل‌ها، آغازگـــر صفحهٔ جدیدی در تاریخ انســـان گردید و بعد از تعمیر کعبه- به فرمان الهی: ﴿وَأَذِّنْ فِـــي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِـــنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيـــقٍ﴾[۲]- پیام حق‌تعالـــی را به گوشِ دل‌ها رســـانید و به برکتِ فریاد بیدارگـــر او، از جوار کعبه، از آن روز تا کنون «وإلی ما شـــاءالله و إلـــی أن «نرث الله الأرض ومن علیها»[۳] همه‌ســـاله مشتاقان توحید، گروه گروه با شور و شـــوق، به طواف کعبهٔ ابراهیمی می‌شـــتابند و در همین لحظاتی‌که در روزگار ما مسلمانان در همهٔ نقاط جهان، عید قربان را تجلیل می‌کننـــد، صدها هزار از حُجّاج بیت‌الحرام لبیک‌گویان به اطراف خانهٔ خدا طواف می‌کنند و در مِنی[٤] و مذبَح،[۵] به انجام شعایر حج مشغول‌اند.

دارند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵.

۱. نَمرُود؛ از پادشاهان بابِل است که دعوای خدایی کرد. حضرت ابراهیم Z در عهد او به پیغمبری مبعوث گشـــت و مردم را به پرســـتش خداوند یگانه دعوت کرد و بت‌هایِ بابلیان را درهم شکست. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

۲. حج / ۲۷. (و در میان مردم برای [ادای] حج، بانگ برآور تا [زایران] پیاده و [سوار] بر هرشتر لاغری که از هرراه دوری می‌آیند، به‌سوی تو روی آورند.)

۳. اشاره به این آیهٔ مبارکه دارد، مریم / ٤۰. ﴿إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ﴾ (ماییم که زمین را با هرکه در آن اســـت به میراث می‌بریم و [همه] به‌سوی ما بازگردانیده می‌شوند.)

٤. مِنی؛ موضعی‌اســـت در مکّهٔ معظمه که مقام بازار است و حاجیان در آن‌جا قربانی کنند. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

۵. مذبَح؛ جای قربانی‌کردن، مکان ذبح، قربانگاه، آن‌جا که گوسفند و جزء آن

در این روزگار بزرگ، مسلمانان جهان با شعایر بیدارگر تلبیه[1] و تکبیر، به ادای نماز عید پرداخته و آنانی‌که از لحاظ مالی قادر به انجام قربانی‌اند، به تأسی از سنّت ابراهیمی قربانی می‌کنند و به دیدار یاران و دوستان خود می‌روند و در مراسم خوشی و سُرور شرکت می‌کنند، ناگفته نماند که انجام عبادت همراه با بهره‌مندی از زینت‌های زندگی، از خصوصیت‌های بارز و برجستهٔ دین و فرهنگ اسلامی‌است و در میان پیروان ادیان دیگر این ویژگی دیده نمی‌شود.

چه پیروان ادیان دیگر هنگام انجام مراسم دینی، غرق در تجرد و فرار از امور مادی بوده با دنیا و زیبایی‌هایش یک‌سره وداع می‌کنند، چنان‌که این حقیقت را در سیمای زندگی راهبان و تاضان[2] ملاحظه می‌کنیم و چون مشغول به امور زندگی و دنیاداری شدند، دین و معنویت را کِنار می‌گذارند. جدایی دین از سیاست و دوری تشکیلات دینی از بقیهٔ تشکیلات دولتی، همه بیانگر این مدّعاست؛ امّا اسلام، دین و دنیا، مادیت و معنویت را مُکمِّل یکدیگر و ضرورت اجتناب‌ناپذیر زندگی انسانیِ می‌داند.

هموطنان عزیز!

ذبح کنند. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

۱. تلبیة؛ معنای واژگانی تلبیة پاسخ‌گفتن به ندادهنده‌است؛ امّا در اصطلاح عبارت از همان ذکر مخصوصی‌است که در حج گفته می‌شود و آن این است: «لَبَّیْکَ اللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ ، لَبَّیْکَ لاشَریکَ لَکَ لَبَّیْکَ ، إنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لاشَریکَ لَکَ» تلبیه‌گفتن را احناف و مالکی‌ها واجب می‌دانند و امّا شافعی‌ها و حنبلَی‌ها سنّت. نگاه: الفقه الإسلامی وأدلته از دکتور وهبة الزحیلی، ۳ / ۴۹۶.

۲. غالباً منظور از تاضان مُرتضان است و در هنگام نوشتن «مر» از قلب افتیده باشد؛ زیرا «تاضان» به این سیاق و روند گفتار و نه «تازان» سازگاری دارد. مُرتاض به‌معنای کرهٔ اسب رام، ریاضت‌کننده و صاحب ریاضت. ریاضت‌کشنده که برای تصفیه و تهذیب نفس ریاضت کشد و تحمّل سختی‌ها کند. مطیع، منقاد؛ پس صاحب خلوت باید موضعی اختیار کند که همی از محسوسات ظاهر و باطن شاغلی نباشد و قوای حیوانی را مرتاض گرداند. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

عید قربان را امسال در شرایطی استقبال و تجلیل می‌کنیم که جنگ‌های ویرانگر هنوز از ملّت مظلوم ما ظالمانه قربانی می‌گیرد. تحت هرنام و عنوانی‌که جنگ‌ها شعله‌ور می‌گردد، این ملّت ماست که در آتش آن می‌سوزد.

مسئولان نظام با وجود امکاناتِ گستردهٔ جامعهٔ جهانی، در ادای رسالت خویش ناکام و ناتوان‌اند. اوضاع ایجاب دگرگونی‌های عمده را می‌کند و تا زمانی‌که در نظام و عملکردها، تغییرات بنیادی رونما نگردد، همکاری‌های جهانی مثل گذشته بی‌اثر خواهد ماند و چه به حق فرموده‌است، خداوند - تبارک‌وتعالی- در قرآن‌کریم:

﴿..إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ..﴾[1]

بلی؛ تا زمانی‌که تغییراتً و اصلاحات را در خود ایجاد نکنیم، نمی‌توانیم منتظر بهترشدن اوضاع و احوال خود باشیم.

امیدوارم با استفاده از فضای معنوی عید قربان، کدورت‌ها را کِنار بگذاریم و دست‌به‌دست همدیگر بدهیم و در راه ثَبات و استقرار و اصلاح اوضاع نابسامان کشور خویش سعی و مجاهدت کنیم.

---

۱. رعد / ۱۱. ﴿لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ﴾ (برای او فرشتگانی‌است که پی‌درپی او را به فرمان الله از پیش رو و از پشت‌سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت الله حال قومی را تغییر نمی‌دهد؛ تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون الله برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایت‌گری برای آنان نخواهد بود.)

به‌مناسبتِ عید سعید فطر

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال اوّل، شمارهٔ پنجم؛

دوشنبه، ۱۱ قوس ۱۳۸۱ هـ ش.

بِسْم اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

هموطنان متدّین! خواهران و برادران!

السَّلاَمُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُاللّٰه وَبَرَکَاتُه

حلول ایّام عید سعید فطر را به‌شما تبریک می‌گویم، ایزد منان را سپاسگزارم که کابوس وحشتناک جنگ و سپاه جهل و جنایت و لانه‌های ترور و اختناق را در کشور ما ناپدید ساخت. ملّت ما اکنون وارد مرحلهٔ جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی خود گردیده‌است، حوادث اسفبار یازدهٔ سپتامبر جهان را تکان داد و اهمیت افغانستان در حیات صلح و امنیت منطقه و جهان مورد توجّه جامعهٔ جهانی قرار گرفت و همزمان با این وضع، نقش ملّت با شهامت و به‌خصوص جبههٔ جهاد و مُقاوَمت و پایمَردی فرزندان اصیل و با صلابت آن – که در راه دفاع از آزادی و استقلال و صلح و امنیت سَنگین‌ترین تلفات را متحمّل گردیده بودند– بار دیگر درخشندگی بیشتر یافت.

در این ایّام مبارک به روان گرامی‌فرزندان این سرزمین –که جان‌های شیرین خود را از دست داده‌اند– درود می‌فرستم و از شهامت و پایمردی دلاورمردان مجاهد کشور به تمجید یاد می‌کنم.

اگرچه افغانستان بعد از فراموشی مرگ‌بار، اخیراً محراق توجّه جامعهٔ جهانی قرار گرفت؛ امّا یک‌سالی که بر «اجلاس

بُن»[1] می‌گذرد و با آن شور و غوغایی‌که وعده‌های بازسازی داده شده بود، آثار عملی آن کم‌تر به چشم می‌خورد. اینکه تا چه حد کشـــورها به وعده‌های خود عمل می‌کنند، این را به قضاوت و احوال و ضمیر خودشان می‌گذاریم؛ امّا آنچه که به خود ما مربوط اســـت، سعی باید کرد، صلح و امنیت استحکام یابد و وحدت ملی قوّت بگیرد و بحران بی‌اعتمادی خاتمه یابد که تلاش‌های ملی در جهت بازســـازی به سطح دولتی و مردمی ما توجّه جدی مبذول شود.

در اخیر با تجدید صمیمانه‌ترین تبریکات عید، به همه هموطنان دیندار از خداوند توانا به‌دســـت دعا نیازمندم که طاعـــات و عبادات صیام و قیـــام و راز و نیاز ملّت ما را در ماه مبارک رمضان مقبول درگاه خود قرار بدهد و به همهٔ ما توفیق عنایت فرماید؛ تا با الهام از این ماه مبارک، ماه تقوی و طهارت، ماه مُواســـات[2] و رحمت، ماه صبر و اســـتقامت، ماه اخوّت و برادری، ماه همکاری و تعاون، هم‌بســـتگی و یک‌دلی بر فضای حیات ملی و اجتماعی و سیاسی ما حاکم گردد؛ وَالسَّلاَمُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُاللّٰه وَبَرَکَاتُهُ

برهان‌الدین ربانی

---

۱. اجلاس بُن در ماه قوس ۱۳۸۰هـ ش، بعد از ســـقوط رژیم طالبان در شهر بُن کشـــور آلمان برگزار شده بود. بعد از آن تشکیل حکومت موقت صورت گرفت و با انتقال مســـالمت‌آمیز قدرت از استاد شهید G به کرزی، او را به‌حیث رئیس حکومت موقت برگزیدند. بعد از آن حکومت انتقالی و سپس انتخابات ریاســـت جمهوری برگزار شـــد و حامد کرزی رئیس‌جمهور شد. برای آگاهی بیشـــتر در مورد این اجلاس، نگاه شود: «تحلیل سیاست خارجی افغانســـتان از احمدشاه بابا دُرانی تا حامد کرزی»، ص: ٤٣٩ و ٤٩٣ الی ٥٠٢، و هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۲، چهارشنبه، ۱۱ قوس ۱۳۸۲، دور ششم، سال سوّم، شـــمارهٔ ۲۳. و جهت آگاهی دیدگاه استاد شهید W در مورد اجلاس بُن، نگاه شـــود: هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۲، شمارهٔ ۱، شنبه ۱۱ عقرب ۱۳۸۱هـ ش، «گفت‌وگوی اســـتاد با تلویزیون نور» و هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ٦، دور ششم، سال هفتم، شمارهٔ: ۲۹، شنبه، ۷ جدی ۱۳۸۷ هـ ش.

۲. مُواســـات؛ غمخواری و یاری‌گری و مددکاری، معاونت یاران، دوستان و مســـتحقان است. در معیشت و تشریک ایشان، در قوّت و مال. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

به‌مناسبتِ عید سعید قربان

تاریخ، ۱۳٦۰ هـ ش مطابق دهم ذی‌الحجة ۱٤۰۱ هـ ق؛

برگرفته از: مجلهٔ «د شهید زیری»، ص: ۱٤– ۱۵.

بِسْمِ اللهَ الرَّحْمنِ الرَّحِيْم

بـــرادران و خواهرانَ مجاهد و مهاجـــر و عموم افراد ملّت به‌خون‌خفتهٔ افغان!

السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللَّه وَبَرَكَاتُه؛ وبعد:

حلول عید قربان را به‌شـــما قربانیانِ راه حق و آزادی، از صمیـــم دل مبارکباد می‌گویم. تجلیل از عید اضحی – که یادبودِ عظیم‌ترین آزمون در راه حق، آرمان و عقیده‌اســـت– سزاوارِ شماست.

آری؛ سزاوار بر شـــما رهروان راه حقیقت است که در هول‌انگیزترین آزمون تاریخ، در راه دفاع از عقیدهٔ والا، کرامت و عزّت امّت اســـلامی و میهن، در خونِ ترشدهٔ خویش، از دادن هیچ‌نوع قربانی دریغ نکردید. جگرگوشه‌های محبوب، احبـــاب و عزیزان خود را ســـخاوتمندانه به قربانگاه میهن تقدیم کردید و هزاران‌درهزار اســـماعیل ذبیح را در پیشگاه رضای – حق‌تعالی– قربانی کردید. در میان شعله‌ها توپ و تانک، ابراهیم‌وار شتابان دویدید و از تعذیب و شکنجه‌های هولناک زندان‌ها، هراسی بر دل نداشتید.

کودکان معصوم و مادران داغدیدهٔ‌تان؛ چون اســـماعیل

و مادر آواره‌اش در میان دشـــت‌های ســـوزان، صخره‌های هیبتناک با لب‌های خشـــکیده به‌ســـوی سرنوشت نامعلوم آواره گشـــتید، آنچه از متاع دنیا داشـــتید، همه را از دست داده، زندگـــی آرام‌تان را به چادرنشـــینی و حیات در میان مغاره‌های تاریک عوض کردید و در همه احوال و اوضاع، این زمزمهٔ جاوید را بر لب داشته و دارید که:

﴿قُـــلْ إِنَّ صَلاَتِی وَنُسُـــکِی وَمَحْیَـــایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِین﴾[1]

(بگـــو: هرآیینه نماز و قربانی مـــن، زندگی و حرکتم، خاص برای خدا، پروردگار عالمیان است.)

پس حقیقتاً عید قربانی، فقط عید شماســـت. اگرچه در رنج و محنت به‌سر می‌برید؛ زیرا شما حقیقت و مقصود این عید را دریافته‌اید؛ امّا دیگران رنگ و بوی آن را.

به‌راســـتی این عید، عید رزمندگان جان‌برکفی‌است که چـــون ابوالأنبیاء ابراهیم خلیـــل Z در راه عقیده و آرمان خود شجاعانه در میان شـــعله‌های سوزان می‌دَوَند و چون اسماعیل ذبیح Z شتابان به‌سوی قربانگاه رو می‌آورند.

در ایـــن عید، آن بـــرادران، مســـتحق تبریک‌اند که در سنگرهای پرخون از حریم مقدّس اسلام پاسداری می‌کنند و آن خواهرانِ باشـــهامتی‌که به‌رســـم عصیان علیه جبّارانِ وحشـــی روس، در برابر شـــعله‌های توپ و مسلســـل، در خیابان‌هـــای کابل[2] «الله اکبر» گویان ریختند[3] و دســـته‌ای از

۱. انعام / ۱۶۲.

۲. کابل؛ یکی از ولایات مهم حوزهٔ مرکزی و پایتخت افغانســـتان اســـت که مرکز آن شـــهر کابل می‌باشد. مســـاحت آن ۴۵۲۳,۹ کیلومتر مربع و جمعیّت آن به اســـاس راپور رســـمی ادارهٔ مرکزی احصائیه، در ســـال ۱۳۹۲ هـ ش، حدود ۴۵۳۲,۹ میلیون نفر تخمین شده‌است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۵۷.

۳. منظور قیام ســـوّم حوت کابل است که در سال ۱۳۵۸هـ ش، مردم قهرمان و آزادهٔ کابل، شـــب ســـوّم حوت با نعره‌های «الله اکبر» از فراز بام‌ها، خشم و

ایشان؛ چون کبوترانِ معصوم، پرزنان در میان خون خویش به جوار رحمت حق‌تعالی پیوستند و باقی‌مانده، زندانِی و یا آواره شدند.

صفوف رزمندگان شما اکنون وارد مرحلهٔ جدید خود شده‌است، این اتحاد را – که ضامن پیروزی و قوّتِ شماست – حفظ کنید. اگر در سنگرهای فخرآفرینِ خود قرار دارید و یا در زیر سقف خیمه‌های دوران مهاجرت – هرجا که هستید– در راه استحکام اتحاد بکوشید. اجازه مدهید بار دیگر دشمنان در میان شما تفرقه و چندپارچگی ایجاد کنند، تبلیغات زهرآگینِ دشمن را – که در چهره‌های گوناگون علیه شما و انقلاب‌تان به راه انداخته شده و می‌شود– بی‌اثر سازید.

برادران و خواهران مجاهد و مهاجر!

در این عید، از محرومیت‌های خویش دل‌آزرده مباشید؛ زیرا آنچه را که خدا در اثر قبول این رنج و محنت بر شما بخشیده‌است، خیلی‌ها بزرگ‌تر و گرامی‌تر از آن چیزی‌است که از دست داده‌اید. آیا نمی‌دانید که شما غرور جبّاران را شکستید و کاخ ستمگران را به لرزه درآوردید و افسانهٔ ابرقدرت‌ها را نابود کردید و شعله‌های امید را در دل ملّت‌های محروم مسلمان روشن ساختید؟!

پیروزی‌های شما در برابر دشمن مایهٔ سربلندی جهان اسلام و عموم مُسْتَضْعَفانِ زمین است.

امیدواریم که اعیاد آینده، قرین پیروزی‌ها و موفقیت‌های بزرگی به اسلام و مسلمانان باشد. خداوند شعلهٔ جاویدان

نفرین خویش را در برابر روس‌ها و اجیران‌شان انعکاس دادند که فضای کابل از آن همه فریادها که از حنجرهٔ ده‌ها هزار زن و مرد، کودک و کهن‌سال بر هوا می‌خاست، می‌لرزید.

نگاه: تحوّلات سیاسی جهاد افغانستان، ج: ۱، ص: ٦٢ – ٦٣ و قیام توفنده در قلب کشور، از رهبر شهید G .

مُبارَزه در راه حق و احســـاس قربانی در راه عقیده و ایمان را، در دل همهٔ ما روشن نگه دارد.

به امید پیروزی کامل اسلام بر قوای کفر و ظلمت.

وَالسَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللّٰه وَبَرَكَاتُه

برهان‌الدین ربانی

۱۰ ذی‌الحجة ۱٤۰۱ هـ ق.

پیام‌های همدردی

به‌مناسبتِ شهادت جنرال محمّدداود داود و

جنرال شاه‌جهان نوری

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال دهم، شمارهٔ نهم؛

۱٤ جوزا ۱۳۹۰ هـ ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[1]

امروز باز دست جنایت‌کار دشمنان ملّت مسلمان، به‌خون فرزندان رشید ملّت مسلمان افغانستان - دگرجنرال محمّدداود داود[2] و جنرال شاه‌جهان نوری[3] و تن‌چندی از

---

۱. بقره / ۱۵٦. ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُواْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ﴾ ([همان] کسانی‌که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن خداییم و به‌سوی او باز می‌گردیم.)

۲. شهید جنرال محمّدداود داود فرزند حاجی محمّد حسین، در سال ۱۳٤٤هـ ش، در ولسوالی فرخار ولایت تخار دیده به جهان گشود. وی دوبار ازداوج کرده و از وی چهار فرزند باقی مانده‌است. او تازه جوان شده بود که به‌صفوف نیروهای مُقاوَمت علیه اشغالگران روسی، شامل جبهات «جمعیّت اسلامی افغانستان» گردید. در دوران مُقاوَمت جبهات ولایت تخار را رهبری می‌کرد و در شکست طالبان نقش اساسی بازی کرد. وی در پُست‌های قومندان قول اردو در ولایت قندز، چندین سال به‌صفت معین مُبارَزه برضد مواد مخدر، در وزارت داخله و مدت یک‌ونیم سال به‌صفت قومندان زون ۳۰۳ پامیر ایفای وظیفه کرده بود و سرانجام حوالی عصر روز شنبه، ۷ جوزای سال ۱۳۹۰هـ ش، در حادثهٔ المناکی، در ولایت تخار همراه با جنرال شاه‌جهان نوری و چند تن دیگر به شهادت رسیدند. نگاه: هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۷، دور ششم، سال دهم، شمارهٔ نهم، ١٤ جوزای ۱۳۹۰هـ ش.

۳. شهید جنرال شاه‌جهان نوری در ۱۳٤٤هـ ش، در ولسوالی فرخار ولایت تخار به دنیا آمد و در سال ۱۳٦۱هـ ش - که هنوز ۱۷ سال داشت- به کاروان مبارک جهاد پیوست. مرحوم نوری مسئولیت‌های زیادی را چه در دوران جهاد و مُقاوَمت و چه پس از آن، به‌دوش داشتند که عمده‌ترین آن‌ها مسئولِ فرهنگی «غُند صلاح‌الدین ایوبی» معاون و مسئول عقیدتی سیاسیِ کندک پنجم، قوماندان غند ۳۲ قومندان لوای ۹۹۹، قومندان امنیهٔ ولایت‌های بدخشان، غور و تخار ایفای وظیفه کرد و سرانجام در هفتم جوزای ۱۳۹۰هـ ش، به شهادت رسیدند. نگاه: روزنامهٔ ماندگار، ص: ٤، سال چهارم، شمارهٔ ۸۲٤، یک‌شنبه، ۷ جوزای ۱۳۹۱ هـ ش.

یاران‌شان- رنگین شد.

جنرال محمّدداود داود، فرمانده زون ۳۰۳ پامیر و جنرال شـــاه‌جهان نوری، قومندان امنیۀ ولایـــت تخار،[1] از فرزندان صدِّیق و فداکارِ این کشـــور بودند که - از دوران نوجوانی تـــا پایان عمر- در خدمت وطن و مردم قرار داشـــتند و در دوران جهاد و مُقاوَمت، به‌عنوان آیه‌هایی از ایثار و فداکاری شناخته مَی‌شدند.

من در حالی‌که این حملۀ جنایت‌کارانۀ دشـــمنان مردم افغانستان را شدیداً محکوم می‌کنم، برای این شهیدان عزیز بهشت برین و برای بازماندگان آنان صبر جمیل از خداوند متعال خواستارم.

من یقین کامل دارم که چنین اعمال وحشـــیانۀ دشمن، ارادۀ خلل‌ناپذیـــرِ ملّت مســـلمان افغانســـتان را در دفاع از سرزمین و زندگیَ‌شان سست نخواهد کرد.

ملّت شجاع و غیور افغانستان باید با همدلی و برادری، در برابر این توطئه‌های جنایت‌کارانه بایستند و نگذارند که دشـــمن بتواند به اهدافش برسد. ما که امروز شاهد شهادت جنرال داود داود و جنرال شـــاه‌جهان نوری و یاران آنانیم، دیروز نیز شاهد شهادت جنرال مولانای سیّد خیلی[2] قومندان

---

۱. تَخار؛ یکی از ولایت‌های شمال‌شـــرقی افغانســـتان اســـت. مســـاحت آن ۱۲٤۷۵,۸کیلومتـــر مربع و جمعیّت آن در ســـال ۱۳۹۱هـــ ش، ۹۳۳,۷ نفر محاســـبه شده‌است و مرکز آن شـــهر تالقان اســـت. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ٤٦۲.

۲. شهید دگرجنرال مولانا عبدالرحمن سیّد خیلی فرزند مرحوم الحاج مولوی حضرت‌الدین ترکیبی سیّد خیلی در سال ۱۳٤۷ هـ ش، در یک خانوادۀ متدّین در روســـتای «کهنه‌قلعۀ» ولسوالی سیّدخیل ولایت پروان به دنیا آمد. و پس از عهـــد جهاد و مُقاوَمت در پُســـت‌های مختلف در راه تأمین امنیت در ولایات پروان، بغَلان و قومندانی امنیۀ کندز فعالانه و موفقانه وظیفه اجرا کرد و با یک عمـــر مُبارَزه و جِهاد، در ۱۹ حوت ۱۳۸۹هـ ش، از اثر یک حملۀ انتحاری در ولایت کندز، به شَهادت رسید. نگاه: سپیدار آزادی ۲، ص: ۹ - ۱۲.

امنیهٔ کندز[۱] – و شهادت جنرال خان‌محمّد خان[۲] – قومندان امنیهٔ ولایت قندهار[۳] – بودیم.

حمله بر جان این فرزندان رشید کشور – که در مکتب جِهاد و مُقاوَمت تربیت شـــده‌اند– نشان می‌دهد که دشمن در صدد تضعیف آنانی‌است که سدِّ بزرگی را در برابر آنان ساخته‌اند.

دولت افغانســـتان باید پایداری و راست‌قامت ایستادنِ این حامیان راســـتین کشـــور را پاس دارد و کمال توجّه و عنایت را در حفظ جان آنان بکند.

مـــن در حالی‌که بار دیگر این حملـــهٔ جنایت‌کارانه را محکـــوم می‌کنم، از خداوند – تبارک‌وتعالی– برای شـــهید محمّدداود داود، شـــهید شـــاه‌جهان نـــوری و دیگر یاران شهیدشان، درجات بلند در بهشت برین می‌طلبم.

---

۱. کندز؛ یکی از ولایات شمال‌شـــرقی افغانستان است. مساحت آن ۸۰۸۰,۹ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در ســـال ۱۳۹۱هـ ش، حدود ۹۵۳,۸ نفر محاسبه شده‌است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ٤۹۵.

۲. شـــهید خان‌محمّد مجاهد فرزند حاجی دادمحمّد در سال ۱۳٤۰هـ ش، در ولســـوالی ارغنداب ولایت کندهار دیده به جهان گشود. در جوش جوانی‌اش به‌صف مقدّس جِهاد پیوســـت و بعد از پیـــروزی هم، همه عمرش را صرف دفاع از حریم دین، عقیده، بازسازی و تأمین امنیت و صلح در کشورش کرد. سرانجام این مرد مجاهد در ۱/۲٦/ ۱۳۹۰هـ ش، به شهادت رسید. مرکز تدوین.

۳. قندهار؛ در جنوب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ٥٤۸٤٤,٥ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در ســـال ۱۳۹۱هـ ش، حدود ۱۱٥۱,۱ هزار نفر محاســـبه شده‌اســـت. مرکز آن شـــهر کندهار اســـت. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۹۱.

به‌مناسبتِ شهادت احمدولی کرزی؛ رئیس شورای ولایتی کندهار

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال دهم، شمارهٔ: ۱۵ و ۲۵؛ سرطان ۱۳۹۰ هـ ش.

بار دیگر دســـت دشـــمنان وطن و مردم؛ یکی دیگر از فرزنـــدان وطن؛ احمدولی کرزی - رئیس شـــورای ولایتی قندهار - را به خون نشاند.

شـــهید احمدولی کرزی؛ یکی از عناصر مهمی بود که افغانســـتان در صلح و امنیت و آبادی و توســـعه، به آنان، به‌ویژه در شرایط کنونی بسیار نیازمند بود.

من ضمن اینکه قتـــل ناجوانمردانهٔ احمدولی کرزی را به شـــدت محکوم می‌کنم، به رئیس‌جمهور آقای کرزی و تمامی اعضای خانوادهٔ ایشـــان تسلیّت و تعزیت می‌گویم و جایگاه او را از خداوند - تبارک‌وتعالی- در بهشـــت برین می‌خواهم.

بازگشت همه به‌سوی اوست.

به‌مناسبتِ شهادت مولانا عبدالرحمن سیّد خیلی؛

فرمانده پولیس ولایت کندز

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال نهم، شمارهٔ چهلم؛

۲۱ حوت ۱۳۸۹ هـ ش.

خبر شـــهادت مولانا سیّد خیلی[1] فرمانده پولیس ولایت قندز مرا تکان داد، مولانا سیّد خیلی در یک حملهٔ انتحاری دشـــمنانِ میهن، با ســـه تن از یارانـــش در ولایت قندز – زمانی‌که پس از ادای نماز شـــامِ پنج‌شـــنبهٔ هفتهٔ گذشته، در حال بازگشت به منزلش بود– بَه شهادت رسید.

مولانا سیّد خیلی از فرزندان رشیدِ اسلام و میهن بود که – از عُنفُوان[2] جوانی – در راه آزادی و استقلال کشور برضد اشغالگران به مُبارَزه و جِهادِ مسلّحانه پرداخت و در دوران مُقاوَمت، در دفاع از جانَ و مال مردم و سرزمین اسلامی‌مان، از هیچ ایثار و فداکاری دریغ نورزید. مولانا ســـیّد خیلی در اوج شجاعت و شهامت، از تقوی و طهارت برخوردار بود.

بی‌تردید شـــهادت چنین مردان پاک‌باز – به هر اسم و رسمی که باشـــد– یک عمل خاینانه به میهن و اسلام تلقی می‌گردد و به‌سود دشمنان دین و کشور انجام می‌یابد.

سیّد خیلی که یک سپاهی کمربستهٔ کشور بود، پیوسته در جهت تأمین امنیت و آرامش مردم تلاش می‌ورزید. من

---

۱. گذشت.

۲. ابتدای جوانی و بهجت آن. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

در حالی‌که شهادت این فرمانده دلیر را برای کشور و دولت جمهوری اسلامی افغانستان، یک ضایعهٔ بزرگ می‌دانم، برای بازماندگان و نزدیکانش صبر جمیل و برای وی بهشت برین از خداوند منان می‌طلبم.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[۱]

۱. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

پیام تسلیّت؛

به‌مناسبتِ حادثۀ المناک توفان و برف‌کوچِ سالنگ

هفته‌نامۀ مجاهد؛ دور ششم، سال نهم، شمارۀ ٤٦؛

٢٤ دلو ١٣٨٨ هـ ش.

حادثۀ المناک توفان و برف‌کوچِ روز دوشنبه، در سالنگ[1] – که تا هنوز بیش از ۱۶۰ نفر کشته و صدها نفر مجروح و قربانی داشته‌است– موجب تأثّر و تألّم شدید ما گردیده‌است.

من اصالتاً از جانب خویش و به نمایندگی از «جمعیّت اسلامی افغانستان» و «جبهۀ ملی»،[2] در حالی‌که برای همۀ کشته‌شدگان و قربانیانِ این حادثۀ المناک، از خداوند – تبارک‌وتعالی– رحمتَ و مغفرت می‌طلبم و به مجروحان شفای عاجل و به بازماندگان و بستگان آنان صبر جمیل می‌خواهم، از همه نهادها و آنانی‌که در نجات و یاری‌رسانیدن به قربانیان این حادثه سعی و تلاش کردند، از خداوند اجر و پاداش بزرگ خواستارم.

---

۱. سالنگ؛ یکی از شهرستان‌های ولایت پروان است که در ۱۵ کیلومتری شمال شهر «چاریکار» موقعیت دارد. مردم این شهرستان مصروف مالداری و تعداد اندک آنان مصروف کارهای زراعتی می‌باشند. جمعیّت آن به اساس سرشماری‌های اخیر حدود ۲۴۹۰۰ نفر تخمین شده‌است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۲۸۵.

۲. جبهۀ ملی افغانستان؛ در ۱۵ حمل ۱۳۸۶هـ ش، توسّط رهبر شهید G تأسیس شد و رهبری این جبهۀ بزرگ سیاسی را – نیز– خودش به‌عهده داشت. برای معلومات بیشتر به خطابه‌ای از رهبر شهید W ؛ نگاه شود: هفته‌نامۀ مجاهد، ص: ٦، دور هشتم، سال ششم، شمارۀ اوّل، ۱۸ حمل ۱۳۸۵هـ ش.

ایـــن را - نیز- گفتنی می‌دانم که مع‌الأســـف حکومت نتوانسته‌است، برای جلوگیری از چنین حادثهٔ فاجعه‌بارِ قابلِ پیش‌بینی و عادی، تدابیر لازم را اتخاذ کند و یا لااقل پس از بروز علایم نخستین آن، از وخامت و گستردگی آن با اِعلام خطر و متوقف‌کردن عبور و مرور وسایط حمل و نقل، مانع تلفات و خسارات بیشتر شود؛ لهذا ما خواهان بررسی‌های لازم در این زمینه‌ایم؛ تا موارد ضعف و ناتوانی مشـــخص شود و شایسته نیست که از کنار همچون یک حادثهٔ المناک و فاجعه‌بار به سادگی بگذریم.

یک‌بار دیگر برای همه کشته‌شدگانِ این حادثهٔ غم‌انگیز، از خداوند بزرگ بهشـــت برین و برای مجروحان آن شفای عاجل و برای بازماندگان آن صبر و سُلوان[1] می‌طلبم.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[2]

کابل، ۲۲ دلو ۱۳۸۸ هـ ش.

---

۱. سُـــلوان؛ فراموش‌کردن، از یادبردن امری یا کسی؛ سرگرم‌شدن؛ خرسند و بی‌غم شدن. نگاه: فرهنگ فارسی عمید.
۲. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

به‌مناسبتِ وفات ظاهرجان؛ یکی از فرماندهان سابق جمعیّت اسلامی افغانستان

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال هفتم، شمارهٔ ۲۶؛ شنبه، ۹ قوس ۱۳۸۷ هـ ش.

ارجمندان عزیز خانوادهٔ مرحوم قومندان ظاهرجان!

خبر وفات المناک فرمانده قهرمان ولایت کنر،[1] قومندان ظاهرجان -که یک‌تن از شخصیت‌های نامور جهادی و انسان باتقوی، شجاع و دل‌سوز به اسلام و مسلمانان بود - مایهٔ تأثرِ عمیق من گردید، وفات او نه‌تنها ضایعهٔ جبران‌ناپذیر برای جمعیّت اسلامی‌است؛ بلکه این ضایعهٔ بزرگ برای همه خانوادهٔ جهاد و مجاهدین افغانستان است.

عُروج ملکوتی روحِ این رادمرد مجاهد را به‌خود و خانوادهٔ ارجمند و هم‌سنگران دلیر و مجاهدمردان ولایت قهرمان‌پرور کنرها تسلیّت می‌گویم.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[2]

برهان‌الدین ربانی

۵ قوس ۱۳۸۷ هـ ش.

---

۱. کنر؛ از ولایت‌های مشرقی افغانستان است. مساحت آن ٤٩٢٥,٩ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در سال ۱۳۹۱هـ ش، حدود ٤٢٨,٨ نفر تخمین شده‌است. مرکز آن شهر «اسعدآباد» است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۲٦.

۲. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

به‌مناسبتِ وفات استاد غلام‌سرور هُمایون

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال هفتم، شمارهٔ ۲۶؛

شنبه، ۹ قوس ۱۳۸۷ هـ ش.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَی: ﴿کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ..﴾[1]

بـــا تأســـف و تأثر عمیق از مرگ اســـتاد پوهاند دکتور غلام‌سرور هُمایون[2] اطّلاع حاصل کردم، استاد هُمایون یکی از چهره‌های مهم تاریخ و فرهنگ کشور عزیزمان بود، استاد هُمایـــون در عرصهٔ تاریخ و ادبیات این ســـرزمین، کارهای ماندگار به میراث گذاشته‌اســـت که این گنجینهٔ او می‌تواند

---

۱. آل‌عمران / ۱۸۵. ﴿کُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَمَـــن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَیَاةُ الدُّنْیَا إِلاَّ مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (هرجان‌داری چشندهٔ [طعم] مرگ است و همانا روز رستاخیز پاداش‌های‌تان به‌طور کامل به شـــما داده می‌شـــود، پس هرکه را از آتش به‌دُور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً کامیاب شده‌است و زندگی دنیا جز مایهٔ فریب نیست.)

۲. پوهاند دکتور غلام‌ســـرور هُمایون؛ در سال ۱۳۱۰ هـ ش، در شهر کابل به دنیا آمد. بعد از ٤٦ ســـال تحقیق و تدریس به عمر ۷۷ ســـالگی و بعد از دو ســـال اغما و بی‌هوشی، سرانجام به تاریخ ۲۰ قوس سال ۱۳۸۷ هـ ش، چشم از جهان پوشـــید. استاد هُمایون یکی از اســـتادان نسل اوّل دانشگاه کابل بود. او کار را در انجمن تاریخ افغانســـتان آغاز کرد. مدتی مدیریت مجلهٔ آریانا و مجله علوم اجتماعی را به‌عهده داشـــت و نخســـتین مقالات خود را در زمینهٔ تاریخ افغانســـتان از طریق مجلهٔ آریانا انتشـــار داد. یکی از کارهای ماندگار اســـتاد ســـرور هُمایون ترتیب، تحقیق و چاپ «تاریخ احمدشاهی» است که قشر کتاب‌خوان افغانستان را به این کتاب مهم و ناشناخته آشنا ساخته‌است و همچنان مقالات و نوشـــته‌های فراوانی از این استادِ نویسنده و محقق چاپ و به نشر رسیده‌است. نگاه: هفته‌نامهٔ مجاهد، دور ششم، سال هفتم، شمارهٔ ۲۷، ۲۳ قوس ۱۳۸۷، ص: ٤.

برای نسل‌های امروز و فردای کشور بسیار سودمند باشد.

مـــن در حالی‌که مرگ اســـتاد هُمایـــون را یک ضایعه برای جامعهٔ فرهنگی افغانســـتان می‌دانم، از خداوند غفور و رحیـــم برایش مغفرت و رحمت می‌طلبم و از خداوند – تبارک‌وتعالی– برای بازماندگانش صبر جمیل می‌خواهم و امیدوارم که جامعهٔ فرهنگی افغانســـتان و نهادهای فرهنگی و دولتی در حفظ و حراســـت میراث این استاد بکوشند؛ تا باشد جامعه از آثار ایشان بهره‌ور گردد.

وَالسَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللَّه وَبَرَكَاتُه

برهان‌الدین ربانی

به‌مناسبتِ درگذشتِ ملا نقیب‌الله آخندزاده

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور هفتم، سال پنجم، شمارهٔ ۲٤؛

شنبه، ۲۸ میزان ۱۳۸٦ هـ ش.

با تأســف فــراوان اطّلاع یافتم که – شــام پنج‌شــنبه بیست‌ونهم رمضان‌المبارک – بزرگ‌مرد مجاهد؛ ملا نقیب‌الله آخندزاده – فرمانده نامــدار و قهرمان معرکه‌های پرافتخار خون و شهادت، در برابر قشون سرخِ ولایت قندهار بعد از حیات پربار و بابرکت– به رحمت الهی پیوست.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[1]

مرحوم مــلا نقیب‌الله؛ مظهر تقــوی و تواضع، الگوی شجاعت و شــهامت، چهرهٔ تابناکی در میان سنگرداران راه عــزّت و اســتقلال و وحدت ملی، در میــان مردمانِ برادرِ افغانســتان بود. او به‌عنوان یک جوان باایمان و پرشــور، با درک این حقیقت که کودتای هفت ثور سرآغاز یک مرحلهٔ نحس و نامیمون، برای ملّت افغانســتان و پیش‌خیمهٔ تجاوز خونین قشون اتحاد شوروی‌اســت؛ لذا به محض اینکه از تمــرّد و قیام در میان جمعی از افســران اردو اطّلاع یافت، با شوروشــوق، به‌صف آنان پیوست و چون قیام به ناکامی انجامید، کابل را به قصد قندهار ترک گفت و در ولســوالی ارغنداب[2] قندهار به تشــکیل گروه جِهادی خود پرداخت

۱. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

۲. ولسوالی (شهرستان) ارغنداب؛ در ۱۰ کیلومتری شمال شهر کندهار موقعیت

و با هجوم وحشیانهٔ قشـــون سرخ، حمّاسه‌سازترین مرحلهٔ مبارزات مَسلّحِ او آغاز شد و هزاران تن از جوانان غیرتمند و مقاوم قندهاری، در تحت فرماندهی او؛ به ساختن سنگرهای شکست‌ناپذیر در میان باغ‌های انار و انگور و زیرزمین‌های هموار قندهار پرداختند و تا شکست نهایی و فرار نیروهای روسی از کشور، روزی نبود که در رویارویی‌های سخت و سنگین، چندین تن از افراد دشمن به‌دست توانمند نیروهای تحت فرماندهی او زخمی و مقتول و تعدادی از وسایط‌شان منهدم نمی‌گردید.

در دوران جِهاد بارها زخمی و مجروح شـــد؛ امّا هرگز ســـنگر را رها نَکرد، با خروج نیروهای روســـی از قندهار، همهٔ فرماندهان او را به‌اتفاق به‌عنوان قومندان قول اردو در ولایات جنوب پیشـــنهاد کردند و با سقوط طالبان باردیگر ادارهٔ ولایت را به‌عهده گرفت و به‌عنوان یک فرمانده بزرگ جِهـــادی و یک رهبـــر محبوب قومی، بـــا دولت صمیمانه هَمکاری کرد.

وفات او ضایعهٔ بزرگ و جبران‌ناپذیری‌است که ولایت قندهار را از یک شـــخصیت بزرگ و مؤثّر و افغانستان را از یک فرمانده قهرمان جِهاد و یک رمز وحدت و هم‌بســـتگی ملی محروم ساخت.

روحش شـــاد و راهـــش پر رهرو بـــاد و خداوند منان روحش را در بهشت برین با شهدا و صدِّیقین همراه سازد.

وَمَا ذَلِکَ عَلَی اللهِ بِعَزِیز

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[1]

دارد و با داشـــتن ۷۲ قریه، از ولسوالی‌های سرســـبز کندهار شمرده می‌شود. دریای ارغنداب به‌طرف جنوب این ولســـوالی جریان دارد که میوه‌های انار و انگور آن شهرت دارد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۰۰۰.

۱. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

پیام تسلیّت به‌مناسبتِ وفات پدر آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور هفتم، سال پنجم، شمارهٔ هشتم؛ ۱۷ جوزا ۱۳۸۵ هـ ش.

برادر عزیزم جناب آقای دکتور محمود احمدی‌نژاد؛ رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران![1]

السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

با تأسّف و تأثّر فراوان دریافتم که پدر بزرگوارِ شما به رحمت ایزدی پیوسته‌است.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[2]

راستی هیچ‌کسی نیست که از شربتِ این جام سر نکشد؛

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ..﴾[3]

از خداوند - تبارک‌وتعالی- برای آن مرحوم، درجات بلند در بهشت برین و اجر جزیل تمنا می‌کنم و برای شما سلامت و طول عمر در خدمت ملّت بزرگ ایران[4] و برای

---

۱. دکتور محمود احمدی‌نژاد؛ سیاستمدار ایرانی‌است که ششمین رئیس‌جمهور ایران از سال ۱۳۸٤ تا ۱۳۹۲هـ ش، بود. وی همچنین از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷٦هـ ش، نخستین استاندار اردبیل و از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸٤هـ ش، شهردار تهران بود. او هم‌اکنون عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران است. نگاه: پایگاه اطّلاع‌رسانی محمود احمدی‌نژاد، زندگی‌نامه، تاریخ اخذ، پنج‌شنبه، ۳۱ سرطان ۱۳۹۵ هـ ش.

۲. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

۳. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

٤. ایران؛ در جنوب‌غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱٦٤۸۱۹۵ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است.

همه بازماندگان ایشان صبر جمیل می‌خواهم.
بنده خویشتن را در عزای شما شریک می‌دانم.
وَالسَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللّٰه وَبَرَكَاتُه.

برادر شما
برهان‌الدین ربانی
رهبر جمعیّت اسلامی افغانستان

پایتخت آن شـــهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» اســـت. دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی‌است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹ .

پیام همدردی با مردم غزه

عنوانی پروفیسور نجم‌الدین اربکان

رهبر حزب سعادت ترکیه

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور هفتم، سال پنجم، شمارهٔ ۱۷؛

چهارشنبه، ۱۸ اسد ۱۳۸۵ هـ ش.

یادداشت:

این پیام؛ در ۱۸ سرطان ۱۳۸۵ هـ ش، به تقاضای پروفیسور اربکان به زبان عربی نوشته شده بود و در همایش بزرگی که به‌مناسبت تجاوز وحشیانهٔ اسرائیل بر غزه، از سوی حزب سعادت در ترکیه دایر شده بود، قرائت گردیده بود.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

برادرم پروفیسور نَجمَ‌الدین اربکان؛[1] حفظَه‌الله‌تعالی ورعاه!

السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

بی‌تردید تجاوز وحشیانه و بربری صهیونیستان، برضد ملّت بی‌دفاع فلسطین[2] و کشتن کودکان شیرخوار و پیران زمین‌گیر

۱. پروفیسور نجم‌الدین اربکان G ؛ در ۱۹۲۶م، در شهر سینوپ ترکیه به دنیا آمد و پس از پایان دورهٔ دبیرستان به استانبول نقل مکان کرد و در ۱۹۴۸م، با مدرک انجینیری برق از دانشگاه فنّی استانبول فارغ‌التحصیل شد. اربکان G برای ادامهٔ تحصیل به آلمان رفت و از دانشگاه شهر آخن مدرک دکتورای خود را اخذ کرد و پس از مراجعت به زادگاهش؛ ترکیه، مشغول تدریس در دانشگاه شد و چندی بعد، به کار در صنعت مشغول شد و بعد به سیاست رو آورد. اربکان در ۱۹۶۹م، به‌عنوان معاون سیاسیِ شهر قونیه فعالیتِ خود در حوزهٔ سیاست را آغاز کرد. وی یکی از نخست‌وزیران اسلام‌گرایِ ترکیه بود که از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷م، در این پُست خدمت کرد؛ امّا پس از یک‌سال خدمت به دلیل سیاست‌های اسلام‌گرایانه و اسرائیل‌ستیزانه‌اش، کودتای عسکری توسّط «کنعان ایفرین» صورت گرفت که منجر به منحل‌شدن احزاب سیاسی شد که در نتیجه پروفیسور اربکان هم از جمله اشخاصی بود که زندانی شد و مدت سه سال را در زندان سپری کرد. عبدالله گل رئیس‌جمهور پیشین و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور کنونیِ ترکیه از شاگردان و دست‌پروردگان پروفیسور اربکان می‌باشند. سرانجام پروفیسور اربکان در ۲۷ فبروری ۲۰۱۱م، در سن ۸۴ سالگی در شهر انقره چشم از جهان فرو بست. نگاه: مقالهٔ: نجم‌الدین أربکان.. صانع أسس ترکیا الحضاریة، عبدالباقی خلیفه، ۲۰۱۱/۰۳/۰۳ م، ۱۱:۳۳ am.

۲. فلسطین؛ بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و

و گرسنگان وامانده و در محاصرت و هدف‌قراردادن خانه‌های آنان از زمین و دریا و هوا، به‌صورتِ شبانه‌روزی، - بی‌مبالغه- بزرگ‌ترین فاجعهٔ عصر به‌شمار می‌رود.

آنچه قلب‌ها را خونین می‌کند و روان‌ها را می‌سوزاند، این است که همهٔ این جنایت‌ها در برابر چشمان جهان انجام می‌پذیرد، جهانی‌که به‌نام متمدّن یاد می‌شود و داد از حقوق بشر و عدالت و تمدّن و کرامت انسانی می‌زند و بدتر از همهٔ این‌ها، سکوت بیشترِ رهبران مسلمان در برابر این فاجعه‌است که صهیونیستان پس از آنکه میلیون‌ها فلسطینی را از روستاها و شهرهای‌شان بیرون راندند، اکنون به کشتار و نابودکردن نهایی باقی‌ماندگانِ آنان دست می‌یازند و همهٔ این جنایت‌ها را برای رهایی یک سرباز اسیرشده انجام می‌دهند، در حالی‌که بر بی‌مبالاتی که ملّت بی‌گناه و مظلوم فلسطین به آن مواجه است، تأسف می‌کنیم.

از ملّت‌های مسلمان و رهبران آنان و آزادگان جهان و سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشر می‌خواهیم که برای متوقف‌کردن این کشتار بی‌گناهان تلاش ورزند.

﴿..وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ﴾[1]

(و به‌زودی ستمکاران خواهند دانست که به چه صورتی سرنگون می‌شوند.)

در تقاطع سه قارهٔ بزرگ: آسیا، اروپا و افریقا موقعیت دارد. مساحت آن ٦٢٦٣ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در سال ۲۰۱۰م، ٤٣٤٢٠٠٠ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن قدس و واحد پولی ندارد، بَيْتُ‌الْمَقْدِس؛ یعنی نخستین قبلهٔ مسلمانان و اِسراگاه رسول اکرم Y نیز در آن موقعیت دارد، است. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا و اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ١٠٦.

١. شُعَرا / ٢٢٧. ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ﴾ (مگر کسانی‌که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و الله را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند، یاری خواسته‌اند و کسانی‌که ستم کرده‌اند، به‌زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت.)

و در اخیـــر بـــرای شـــما و اجتماع گرامی‌تـــان، درود می‌فرســـتم و حمایت ملّت مســـلمان و غیور ترکیه[1] را در یاری‌رسانیدن به ملّت مظلوم فلسطین می‌ستایم و از خداوند بزرگ و توانا برای شما توفیق می‌خواهم.

برادر شما
برهان‌الدین ربانی

۱. ترکیه؛ کشوری‌اســـت که در جنوب‌غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۷۹٤٥۲ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۰۸۵۰۰۰ نفر تخمین شده‌اســـت. پایتخت آن شـــهر «آنکارا»، زبان رسمی آن تُرْکی و واحد پول آن لیرهٔ ترکیه است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱.

به‌مناسبتِ فاجعهٔ لندن

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال چهارم، شمارهٔ ١٦؛

چهارشنبه، ٢٢ سرطان ١٣٨٤ هـ ش.

به سفارت محترم کشور پادشاهی انگلستان[1] در کابل!
با عرض احترامات فایقه؛

جمعیّت اسلامی افغانستان حادثهٔ تروریستی انفجارات پنج‌شـــنبه ۸ جولای در لندن را شـــدیداً محکوم می‌کند[2] و از طریق شـــما به دولت و مردم کشـــور انگلســـتان به‌ویژه خانواده‌هـــای مصیبت‌دیده در این حادثه، همدردی خویش را اظهار می‌دارد.

یقیناً ارتکاب چنین جنایات ضد بشـــری؛ از نظر اسلام

۱. انگلستان؛ نام نیمهٔ جنوبی جزیرهٔ بریتانیای کبیر و یکی از چهار بخش کشور پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی‌است. این کشور در منابع فارسی اغلب به‌طور خلاصه انگلیس خوانده می‌شـــود. مردم انگلیس مسیحی و اکثراً پروتســـتان‌اند. در سرشماری سال ۲۰۰۱م، نزدیک به یک‌ونیم میلیون مسلمان در انگلستان و «ولز» وجود داشت. مساحت این کشور ۲٤٤۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیّت آن درَ سال۲۰۱۰م، ٦۲۲۲۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. پایتخت آن شـــهر لندن، زبان رسمی آن انگلیسی و واحد پول آن پوند استرلینگ می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸.

۲. این حملهٔ تروریســـتی در سال ۲۰۰۵م، در مرکز شهر لندن به‌وقوع پیوسته بود. در این روز ٤ بمب در ۳ ایســـتگاه مترو و یک اتوبوس شـــهری توسّط ٤ بمب‌گذار انتحاری منفجر شـــد که حدود ٥۲ نفر کشـــته و ۷۰۰ نفر زخمی برجای گذاشـــته بود. نگاه: www.irna.ir/fa/News/۸۱٦۷٤۷۳۰، مراسم بزرگداشـــت قربانیان بمب‌گذاری‌های انتحاری لنـــدن، کد خبر: ۸۱٦۷٤۷۳۰ (٤۷٥٥٤۳۰)، تاریخ خبر: ۱۳۹٤/۰٤/۱٦ هـ ش.

محکوم اســـت و هیچ پیوندی به تعالیم والای انســـانی آن ندارد.

جمعیّت اســـلامی و ملّت مســـلمان و آزادهٔ افغانستان در مُبـــارَزه برضد تروریـــزم، قربانی‌های بی‌شـــماری داده و رنج‌هـــای فراوان از آن برده‌اســـت، به‌ویژه در هنگامی‌که جمعیّت رهبری کشور را به‌عهده داشت.

امیدواریم که مردم جهان با ســـعی و مُبارَزهٔ مشـــترک برضد تروریـــزم، در همه گونه‌های آن، بـــه پیروزی نهایی برسند و زندگی انسانیِ فارغ از تروریزم و ستم را در سطح جهانی شاهد باشند.

بااحترام
برهان‌الدین ربانی
رهبر جمعیّت اسلامی افغانستان

به‌مناسبتِ شهادت میرویس صادق؛ وزیر هوانَوردی و فاجعهٔ اخیر هرات

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال سوّم، شمارهٔ اوّل؛

چهارشنبه، ۵ حمل ۱۳۸۳ هـ ش.

خداوند بزرگ، در قرآن‌کریم می‌فرماید:

﴿الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاةَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا..﴾[1]

(او (خداوند) کسی‌است که مرگ و زندگی را آفریده‌است؛ تا شما را بیازماید که کدام یکی‌تان نیکوکارتر است.)

پیامبر اکرم Y در مرگ فرزندش ابراهیم گفته بود:

﴿إِنَّ الْعَیْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ یَحْزَنُ، وَلاَ نَقُولُ إِلاَّ مَا یَرْضَی رَبُّنَا وَإِنَّا بِفِرَاقِکَ یَا إِبْرَاهِیمُ لَمَحْزُونُونَ﴾[2]

(از فراق تو؛ چشم اشک می‌ریزد و قلب سوگوار است؛ ولی جز آنچه پروردگارمان را خشنود می‌سازد، چیز دیگری نمی‌گوییم، ای ابراهیم! یقیناً که ما از فراق تو اندوهگینیم.)

شهادت میرویس صادق وزیر هوانوردی و حادثهٔ اغتشاش روز یک‌شنبه دوّم حمل هرات، بر دولت و مردم و امنیت افغانستان، ضربهٔ شدیدی وارد آورده‌است، شهادت وزیر هوانوردی «دولت انتقالی اسلامی افغانستان» و یاران

---

۱. ملک / ۲. ﴿الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاةَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِیزُ الْغَفُورُ﴾ (همان‌که مرگ و زندگی را پدید آورد؛ تا شما را بیازماید که کدام‌تان نیکوکارترید و اوست ارجمند آمرزنده.)

۲. نگاه: صحیح‌البخاری، شمارهٔ حدیث: ۱۳۰۳.

او و سوء قصد به جان امیر اســـماعیل خان فرمانده نامدار جهـــاد، برهم‌زدن وضع امنیت در شـــهر و ولایت هرات و بُروز درگیری و کشته‌شدن چندین تن در پی آن حادثهٔ بس المناک و فاجعه‌آمیز اســـت که به جایگاه دولت و آرزوهای مردم و امنیت کشـــور - نه‌تنها در ســـطح این ولایت که در سطح همهٔ افغانستان- لطمهٔ محکم می‌زند.

آشـــکار است که هرات پس از ســـقوط رژیم طالبان و تحوّل نوین در کشـــور، به همت و تدبیر اســـماعیل خان و دل‌سوزی و توانمندی او در این مدت کوتاه، با دستاوردهای درخشان، در پهلوهای گونه‌گون زندگی، در عرصهٔ بازسازی و نوسازی، گویی سبقت ربوده‌است.

درخشندگی این دســـتاوردها به‌گونه‌ای‌است که نه‌تنها دوستان، که بدخواهان و حسودان نیز نمی‌توانند از آن چشم پوشـــند. با این وصف همواره هـــرات و رهبری آن هدف موجـــی از تبلیغات بدخواهانه از ســـوی افراد و گروه‌های معلوم‌الحال و برخی از رســـانه‌های خبری و برخی از افراد بوده‌است.

به باور مـــا این فعل و انفعال‌ها، همـــه در به‌میان‌آمدن حادثهٔ دردآلود روز یک‌شنبه نقش دارد.

من ضمن اینکه شهادت میرویس صادق وزیر هوانوردی فرزند برومند جناب امیر اســـماعیل خان و یاران او و همهٔ قربانیـــان این حادثه را، به شـــخص امیر اســـماعیل خان و خانواده‌های این شـــهیدان و مردم شریف و سربلند هرات، شـــهر شـــهدا و همهٔ ملّت نجیب و داغدار و دولت انتقالی اسلامی افغانستان تسلیّت می‌گویم؛ این حادثهٔ تروریستی و جنایت‌بـــار را محکوم می‌کنم و از دولت مجدّانه می‌خواهم که در برملاساختنِ دسیسه‌ها و عاملان این حادثهٔ امنیت‌سوز و ویرانگر، درنگ نورزد؛ زیرا که اندک‌ترین سهل‌انگاری در

پیگیری و مجازات عاملان آن، موجب گسترش بی‌باوری مردم در کارابودن دولت می‌گردد و موجی از بی‌امنی را در سراسر کشور به‌دنبال می‌آورد - که بی‌تردید- هم برای دولت و هم برای مردم بسیار ناگوار خواهد بود.

همچنان از جامعهٔ جهانی، سازمان مِلل‌متحد[1] و نیروهای بین‌المللی در افغانستان، می‌خواهم که در این حادثه، خود به تحقیق و پیگیری بپردازند و از هرگونه پیش‌داوری‌های مبتنی بر نگرش‌های غرض‌آلود در این زمینه اجتناب ورزند.

در اخیر یک‌بار دیگر مراتب تسلیّت و اندوه خویش را در رابطه با شهادت این عزیزان و وقوع این فاجعه، ابراز می‌دارم و از خداوند متعال برای آنان بهشت برین و به خانواده‌ها و بازماندگان‌شان صبر جمیل می‌طلبم.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[2]

برهان‌الدین ربانی

---

۱. سازمان مِلل‌متحد؛ سازمان بین‌المللی‌است که در سال ۱۹٤٥م، تأسیس و جایگزین جامعهٔ‌ملل شد. این سازمان، توسّط ٥۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۱۱م، ۱۹۳ کشور عضو داشته‌است. اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند. مَقرِ سازمان‌ملل‌متحد در نیویارک است و کشورهای عضو و مؤسَسَات وابسته، در طول هرسال با تشکیل جلسات مُنّظم در مورد امور بین‌المللی و اَمور اجرایی مربوط به آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند. سازمان‌ملل در پایان جنگ جهانی دوّم از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ، شکل گرفت و سازمان و روال حاکم بر فعالیت آن نشان از شرایط جهانی بعد از جنگ دوّم دارد. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۳٤ - ۳۳٦.

۲. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

به‌مناسبتِ درگذشتِ دکتور عبدالحی الهی

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دورهٔ شِشم، سال اوّل، شمارهٔ ٤٧،

چهارشنبه، ١٦ میزان ١٣٨٢ هـ ش.

بسْـــم اللهَ الرَّحْمنِ الرَّحيْم * ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَـــدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾[1]

مـــرگ زودهنگامِ مجاهـــد پژوهشـــگر و آگاه، دکتور عبدالحـــی الهی[2] حادثـــه‌ای بود اندوه‌بار و بـــس دردناک،

۱. احـــزاب / ۲۳. (در میـــان مؤمنان مردانی هســـتند کـــه در پیمانی‌که با الله بســـته‌اند، راست بوده‌اند، برخی پیمان خود را به‌سر برده‌اند و شربتِ شهادت سرکشـــیده‌اند و برخی – نیز– در انتظارنـــد، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.)

۲. دکتـــور عبدالحی الهی فرزند ملا محمّدقاســـم؛ در یک خانوادهٔ متدّین در روســـتای «بخشی‌خیل» رُخهٔ پنجشـــیرِ پا به عرصهٔ هستی گذاشت. تعلیمات ابتدایی دینی را نزد پدر فرا گرفت و بعداً شامل لیسهٔ رخهٔ پنجشیر شد و سپس شامل دانشکدهٔ طبی کابل شد و تا صنف چهارم درس خواند. مرحوم الهی در زمان دانشـــگاه به «نهضت جوانان مسلمان» پیوست و به همین جرم در سال ۱۳۵۷هـ ش، به زندان پل‌چرخی برده شد و در همین سال؛ یعنی ۱٦ جدی از زندان آزاد شد و به صف جِهاد پیوست. مرحوم الهی از سال ۱۳٦٤هـ ش، الی پیروزی انقلابِ اســـلامی، به‌حیث رئیس کمیتهٔ تعلیم و تربیه و عضو شورای اجرائیهٔ جمعیّت اسلامی افغانســـتان ایفای وظیفه کرد. در سال ۱۳۷۱هـ ش، به‌حیث وزیرمشاور و رئیس «انستیتوت صحت روانی» مقرر گردید. از مرحوم الهی ۲٤ عنوان کتاب و رساله و صدها مقالهٔ علمی، تحقیقی و رهنمودی به‌جا مانده‌است. آقای الهی به اثر حملهٔ قلبی‌ای‌که عاید حالش گردیده بود، در ۱۲ / ۷ / ۱۳۸۲هـ ش، به رحمت ایزدی پیوست. نگاه: هفته‌نامهٔ مجاهد، دورهٔ ششم، سال اوّل، شمارهٔ ٤۷، چهارشنبه؛ ۱٦ میزان ۱۳۸۲ هـ ش.

حادثه‌ای‌که نه‌تنها قلب‌های دوستان و هم‌سنگرانِ او را جریحه‌دار ساخت، که ضربه‌ای بود بر پیکر کانون دانشوران و سخنوران جنبش رهایی‌بخشِ اسلامی کشور و ضایعهٔ جبران‌ناپذیر در سطح رهبری «جمعیّت اسلامی افغانستان» که رأی صائب آن محروم را اکنون از دست داده‌است.

مرگ دکتور عبدالحی الهی؛ تنها مرگ یک دانشمند حلیم، یک راهرو راه عرفان، یک پژوهشگر قضایای دشوار فلسفی و کلامی نبود؛ بل مرگ دکتور عبدالحی الهی؛ مرگ دانشمندی‌است که در روشنایی اندوخته‌های علمی و عرفانی‌اش راه نجات ملّت مظلوم خود را از شرّ اهریمنانِ بدطینت می‌جُست.

او در روزهای دشوار جِهاد و مُقاوَمت با کوله‌باری از کتاب‌ها، درّه‌های پرپیچ و صَخره‌زار کوهسارانِ وطنش را طی می‌کرد و مردمش را از فیض اندوخته‌های خویش بهره‌ور می‌ساخت.

با تأسف و اندوه، جای او اکنون در میان ما خالی‌است و رهبری جمعیّت از مشوره‌هایش محروم و هَمْگِنانش از صحبت‌هایش بی‌نصیب‌اند.

ما در حالی‌که حادثهٔ مرگ او را به خانوادهٔ محترم سوگوارش و اعضای «جمعیّت اسلامی افغانستان» و همه دوستان او تسلیّت می‌گوییم، برای آن مرحوم از بارگاه ایزد منان جایگاه صدّیقان و شهدا و صالحان را به‌دستِ دعا می‌طلبیم.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

برهان‌الدین ربانی

به‌مناسبتِ سوّمین سالگرد وفات دگرجنرال سمیع‌الله قومندان فرقهٔ کنرها؛

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال دوّم، شمارهٔ سوّم؛

چهارشنبه، ۲۱ عقرب ۱۳۸۲ هـ ش.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[1]

با شـــنیدن خبر دردناک وفات مرحوم جنرال ســـمیع‌الله خان؛ قلباً متأثر شـــدم. او یک‌تن از چهره‌های تابناک جِهاد ملّت بزرگ افغانستان بود.

زمانی‌کـــه احســـاس کرد دیگـــر خدمـــت در اردوی افغانســـتان، در نظام‌هـــای کودتایی، به نفع مردم نیســـت و جریان‌های وابسته، کشـــور را به‌سوی پرتگاه نابودی سوق می‌دهند، به منظور دفاع از استقلال و آزادی و هویّت ملی، تاریخ، فرهنگ و مقدّسات، وظیفه را ترک گفته و به صفوف تشکیل جِهاد و مُقاوَمت پیوســـت، با پیوستنِ او و امثالش، تحوّل بزرگی در صفوف جِهاد به‌میان آمد، چه از یک‌طرف برآمدن این افســـران تزلزلی را در صفوف اردوی افغانستان ایجاد کرد و از جانبی هم، کمبود کادرهای نظامی را در میان مجاهدین مرفوع ساخت.

بعد از پیوســـتن در صف جِهاد «کمیتهٔ نظامی جمعیّت اســـلامی» را که به منظور رهبریِ جِهاد مسلّح تشکیل شده بـــود، سروســـامان داد و در تربیهٔ افـــراد در مراکز مختلف

---

۱. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

جِهادی کمر همت بســـت و در ســـنگرهای مختلف عملاً حضور یافت و شـــب و روز مشـــغول کار و فعالیت بود، به منظـــور تربیهٔ کادرهای متعهـــد و آگاه، در ایجاد «حربی پوهنتون»[1] و «حربی شـــونځی»[2] جمعیّت با ســـایر افسران جوان سهم مؤثری داشت. صدها تن از جوانان را تربیت و به سنگرها اعزام داشت.

در دوران پیـــروزی جهاد ملّت افغانســـتان، در وزارت دفاع دولت اسلامی مشغولَ کار شد و در برابر آشوبگران از هیچ‌نوع فداکاری دریغ نکرد.

روحش شاد و یادش همیشه زنده و جاوید باد.

دعا می‌کنم خداوند توانا در جنّت‌الفردوس برایش منزل عطا کند.

---

۱. حربی پوهنتون (دانشـــگاه نظامی)؛ در ســـال ۱۳۵۹هـ ش، توسّط جمعیّت اسلامی تأسیس شد. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۱۵۰.

۲. این مکتب نظامی؛ در ســـال ۱۳٦۰هـ ش، توسّط جمعیّت اسلامی تأسیس شد. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۱۵۱.

پیام همدردی به‌مناسبتِ زلزله‌ای در ایران؛

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور ششم، سال دوّم، شمارهٔ ۲۳؛

سه‌شنبه، ۹ جدی ۱۳۸۲هـ ش.

جلالتمآب سـیّد محمّد خاتمی رئیس‌جمهورِ جمهوری اسلامی ایران!

السَّلاَمُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُاللَّه وَبَرَکَاتُه

بدین وسیله مراتب تأثرات عمیق خود را نسبت وقوع زلزلهٔ شـدیدی که باعث رنج و الم ملّت مسلمان و دوست جمهوری اسـلامی ایران گردید، به جناب شما و از طریق شـما به مردم شریف و برادر ایران تقدیم داشته و از بارگاه الهی به بازماندگان این حادثهٔ المناک صبر جمیل خواهانم.

یقین کامل دارم، صبر و پایمـردی بی‌نظیر ملّت ایران در برابر مصایب و مشـکلات، افتخارات دنیوی و اخروی را نصیـب آن ملّت کـرده و - إن‌شـاءالله- تحت رهبری خِردمندانهٔ شـما، از امتحانات دیگر نیز موفق به‌در خواهند آمد.

من به شـما آرزوی صحتمنـدی و موفقیت و به ملّت و کشـور برادر ایران، روزهای خوش و کامگاری بیشتر را تمنا دارم.

برهان‌الدین ربانی

پیام تعزیت پروفیسور برهان‌الدین ربانی،

به رئیس شورای نظار؛ انجینیر احمدشاه مسعود،

به‌مناسبتِ کربلای سرطان؛

میثاق خون؛ دور دوّم نشراتی، سال چهارم، شمارهٔ ۵ و ٦

ماه اسد – سنبلهٔ ۱۳٦۸، نمبر مسلسل: ۵۹ – ٦۰.

برادر گرامی، انجینیر احمدشاه مسعود حفظه‌الله تعالی!

السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُاللهِ وَبَرَکاتُه

خبر دردناک و جان‌سوز شـــهادت عزیزترین فرزندان رستاخیز اسلامی کشـــور که در اثر توطئهٔ خاینانهٔ مشتی از جنایت‌کاران و تروریست‌های حرفه‌ای صورت گرفته بود، باعث تأثر عمیق من و همه برادران جمعیّت گردید.

این شَـــهدای گرامی که در پیشـــاپیش آنان داکتر سیّد حســـین،[1] قاضی اسلام‌الدین حامد،[2] ســـرمعلم فضل‌احمد

۱. شـــهید دکتور سیّد محمّد حسین فرزند ســـیّد حافظ در سال ۱۳۳۱هـ ش، در روســـتای خطایان ولایت تخار چشم به جهان گشود. آموزش‌های ابتدایی دینی را در مســـجد فَرا گرفت و در ســـال ۱۳۴۳ هـ ش، شـــامل صنف سوّم مکتب دهاتی خطایان گردید و در ســـال ۱۳۵۲هـ ش، از لیسهٔ تالقان به درجهٔ اعلی فارغ شـــد که در این وقت توسّط شهید سیّد عبدالرحمن که از نزدیکان دکتور شـــهید بود، به نهضت اسلامی جذب شد و از افراد برجسته و نیرومند نهضت اســـلامی در ولایت تخار محسوب می‌شد. سیّد حسین در سال ۱۳۵۳ بعد از ســـپری‌کردن امتحان کانکور وارد دانشـــکدهٔ طب دانشـــگاه کابل شد. در هنگام رخصتی تابســـتانی بـــه تخار رفت که رژیم مـــزدور و خونخار او را دســـتگیر کرده و برای ســـه ماه در زندان ولایت تخار زندانی شـــد و بعداً بـــا عدّه‌ای از همفکرانش بـــه زندان بدنام «پلچرخی» انتقال داده شـــد و بعد از ســـپری‌کردن یک‌ســـال و چندماه در زندان، دوباره از زندان آزاد شد و به کانون خانوادهٔ جهاد اســـلامی کشـــور باز گشت، دکتور ســـیّد حسین بعد از سپری‌کردن مبارزات طولانی و خستگی‌ناپذیر برای اعلای کلمةالله و پیروزی ملّت مسلمان افغانستان در مقابل روس، سرانجام در ۱۸ سرطان ۱۳٦۸هـ ش، در یک توطئهٔ خاینانه از ســـوی حزب اســـلامی حکمتیار همراه با جمعی از همرزمانش به شـــهادت رسید. نگاه: میثاق خون، سال چهارم، شمارهٔ: ۵ و ٦، سال ۱۳٦۸هـ ش، ص: ۱۰٤ – ۱۰۸.

۲. شـــهید قاضی اســـلام‌الدین حامد فرزند محمّد، در سال ۱۳۲۸هـ ش، در

طارق،[1] ملا عبدالودود[2] و دیگر یاران شهیدشان قرار دارند، از سپیده‌دَم رستاخیز مسلّح اسلامی، به‌عنوان پیش‌مرگانِ راه عزّت و جلال اسلام، در برابر جبّارانِ ملحد قیام کرده، هر درد و رنجی را در راه خدمت به اسلام، به‌جان و دل خریده، از سلول‌های زندان به‌سوی سنگرهای خون و شهادت شتافته و با قبول رنج‌های بی‌نهایت، سرانجام کشتی انقلاب

روستای آقپره شهرستان اشکمش ولایت تخار دیده به جهان گشود. تعلیمات ابتدایی دینی‌اش را در مسجد فرا گرفت. سپس در سال ۱۳٤٥هـ ش، شامل مدرسهٔ تخارستان ولایت قندز شد. بعد از فراغت از دارالعلوم عربی کابل، در سال ۱۳۵۳ هـ ش، وارد دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل شد و در سال ۱۳٥٦هـ ش، از دانشکدهٔ شرعیات فارغ‌التحصیل شد. قاضی شهید به‌صفت یک فرمانده آگاه و مدبر، در همه جنگ‌های ضد روس‌ها و کمونیست‌ها، فعالیت‌های چشم‌گیری از خود نشان داد و سرانجام این عضو برجستهٔ نهضت اسلامی به تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳٦۸هـ ش، زمانی‌که به‌طرف اشکمش روان بود، در تنگی فرخار به‌دست افراد حزب اسلامی حکمتیار افتاد و به‌صورتِ بسیار وحشتناک با تعدادی از همرزمانش به شهادت رسید. نگاه: میثاق خون، سال چهارم، شمارهٔ: ۵ و ٦، سال ۱۳٦۸هـ ش، ص: ۱۰۱ – ۱۰٤.

۱. شهید سرمعلم فضل‌احمد طارق ولد وکیل محمّدسرور، در سال ۱۳۲۸هـ ش، در قریهٔ «سَمَندآب» شهرستان چال ولایت تخار، در یک خانوادهٔ دیندار و شریف به دنیا آمد. تعلیمات ابتدایی را در مدارس دینی فرا گرفت و بعداً شامل لیسهٔ اشکمش گردید و تا صنف دهم را در آن‌جا درس خواند و بعداً به لیسهٔ شیرخان کندز رفت و با نهضت اسلامی آشنا شد و بعد از فراغت و سپری‌کردن امتحان کانکور، شامل دارالمعلمین عالی کندز شد و بعد از فراغت، در سال ۱۳٥٦هـ ش، به صفت معلم ریاضی در اشکمش مقرر گردید و در سال ۱۳۵۷هـ ش، به پاکستان هجرت کرد و بعداً به صفوف مبارزان و مجاهدان پیوست و به صفت امیر جهادی شهرستان «اشکمش» برگزیده شد و سرانجام در ۱۸ سرطان ۱۳٦۸هـ ش، همراه با عدّه‌ای از برادران همرزمش به شهادت رسید. نگاه: میثاق خون، سال چهارم، شمارهٔ: ۵ و ٦، سال ۱۳٦۸هـ ش، ص: ۱۱۱ – ۱۱۲.

۲. ملا عبدالودود فرزند ملا مقصود در روستای «پل قاف» تالقان مرکز ولایت تخار در حمل ۱۳۲۸هـ ش، به دنیا آمد. تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رساند و بعداً شامل مدرسهٔ بنگی شد. ملا عبدالودود شهید شخصیتی بود که در طول انقلاب صادقانه و مخلصانه در راه خدا رزمید و همیشه خار چشم اشغالگران روسی و مزدوران فرومایهٔ آن بود و سرانجام این مجاهد راه خدا در ۱۸ سرطان ۱۳٦۸هـ ش، در یک حملهٔ از قبل طرح‌ریزی شده با جمعی از مجاهدان همفکرش به شهادت رسید. نگاه: میثاق خون، سال چهارم، شمارهٔ: ۵ و ٦، سال ۱۳٦۸هـ ش، ص: ۱۰۹ – ۱۱۰.

را از میـــان امواج پرتلاطم خون، به ســـاحل نجات رهبری کرده بودند و اینک که در آســـتانهٔ پیروزی کامل قرار داشته و با دل پرامید به انتظار حراســـت و پاسداری دستاوردهای خون شَهدا، نشســـته بودند - که ناگاه دستِ ناپاکان غدّار- صفوفِ رزمندگان مؤمن را از وجود این گوهران گران‌مایه محرومَ ساخت.

در این لحظاتِ فاجعه‌آور - که از دل و دیده خونِ غم و حســـرت می‌چکد- در عزای این عزیزان، با این رهنمودِ پیامبر گرامی Y :

﴿إِنَّ الْعَيْـــنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ يَحْزَنُ وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا يَرْضَى رَبُّنَا وَإِنَّا بِفِرَاقِکَ يَا إِبْرَاهِيمُ لَمَحْزُونُونَ﴾[1]

به‌شما و همه یاران و سنگرنشینان هم‌سنگرتان، تعزیت می‌گویم.

درود بر روان پاک این شـــهیدان مظلوم و ننگ و نفرین بر مسلمان‌کُشانِ گمراه و بی‌رحم.

برهان‌الدین ربانی

۱. استخراج حدیث مبارک گذشت.

به‌مناسبتِ شهادت استاد فیض‌الرحمن فایض

۷ ثور ۱۳٦٤ هـ ش.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم

با شـــهادت فیضَ‌الرحمن فایض؛[1] سنگرهای انقلاب در کشـــور و جبهات غرورآفرین ولایت بدخشان،[2] از بهترین آموزگارِ دل‌سوز و فرماندهٔ قهرمان و آگاه محروم شد.

او الگوی تقـــوی و طهارت، و نمونهٔ عالی یک رزمندهٔ شـــجاع و مؤمن بود. از صبحگاه صبـــاوت، تعهد عمیق او به اســـلام در چهرهٔ تابناکش می‌دَرخشید. در عُنفوان شباب به‌عنوان یک مبارزِ پرشـــور وارد معرکهٔ حق و باطل شد. در برابر هرزه‌سرایی‌های سردمداران ملحد و شاگردان منحرف، با منطق رســـا می‌ایســـتاد و چونَ پـــای زور به‌میان می‌آمد، بی‌ترس و هراس به مقابله می‌پرداخت.

دشـــمنان اسلام در منطقه، همه او را به‌عنوان یک مبارز انقلابی و مسلمانِ شکست‌ناپذیر می‌شناختند و سخت از او

۱. برای معلومات بیشتر در مورد زندگی‌نامهٔ شهید استاد فیض‌الرحمن فایض، به کتاب «ویژنامهٔ شـــهید پیروز استاد فیض‌الرحمن فایض» نبشته‌ای از: استاد فضل‌الرحمن فاضل، مراجعه شود.

۲. بدخشان؛ در شمال‌شـــرق افغانستان واقع گردیده و مساحت آن ٤٤٨٣٥,٩ کیلومتر مربع اســـت و جمعیّت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۹۰٤,۹ هزار نفر تخمین شده‌اســـت. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۹۱ – ٤١٦.

در هراس بودند.

در دوران آمـــوزگاری عـــدهٔ زیـــادی از جوانان را در «نهضت اسلامی» بســـیج کرد و چون رستاخیز مسلّح آغاز شد، سلاح برداشت و در سنگر نشست و سرانجام به آرمان عالی خَویش؛ شهادت در راه خدا نایل گشت.

﴿..إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾[۱]

این ضَایعهٔ جبرانناپذیر را بهعموم سنگرداران اسلام و جبهات فخرآفرین کشور تعزیت و تبریک گفته، امیدوارم به لطف و عنایت الهی و برکت خون این شهیدان عزیز، کشور از لوث اعدا پاک گردد.

۱. ترجمهٔ معانی آیهٔ مبارکه گذشت.

پیام‌های متفرقه

به‌مناسبتِ همایش جوانان حزب سعادت ترکیه در شهر اِزمیر آن کشور.

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ دور هفتم، سال پنجم، شمارهٔ ۱۸؛ چهارشنبه، ۲۵ اسد ۱۳۸۵ هـ ش.

همه‌ســـاله جوانـــان «حزب ســـعادت» ترکیه به رهبری مرحوم پروفیسور نجم‌الدین اربکان نخست‌وزیر پیشین این کشـــور، همایـــش بزرگی را که در آن ده‌هـــا هزار جوان از سراســـر کشور ترکیه و خارج از آن شرکت می‌کنند، برگزار می‌کردند که در همایشـــی که در ۱۳ – ۱۷ اگست، برابر با ۲۲ – ۲٦ اسد در شهر ازمیر ترکیه برگزار شده بود؛

مرحوم پروفیسور اَربکان از استاد شهید خواسته بودند که برای این همایش پیامی بفرســـتد، این پیام بدین مناسبت فرستاده شده بود.

الْحَمْدُ لله الَّذی تَتِمُ بِنَعْمَتِه الصَّالِحَات، وَصَلُحَ عَلَیْهِ أمرُالدُّنیا وَالآخِرَة، وَالصَّلاةُ وَالسَّـــلامُ عَلَی سَـــیِّدنا مُحَمَّد نَبی الهدایَة وَالرَحْمَة لِلْعَالَمِینَ.[1]

جوانان عزیز و ارجمند!

السَّلاَمُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُاللَّه وَبَرکَاتُه

اجتماع عظیم و پربرکت شـــما را در سرزمین بزرگ و حمّاســـه‌های عظیم تاریخ اسلام و مسلمانان – که به منظور هم‌بســـتگی نســـل‌جوان مســـلمان در جهان تشکیل شده– مبارکباد گفته و دعا می‌کنم که خداوند منان این گردهمایی شما را وسیلهٔ سعادت و سربلندی و عزّت و اتحاد مسلمانان و صلح و امنیت خانوادهٔ انسانی در جهان گرداند.

شـــما در شـــرایط و اوضاعی ایـــن گردهمایی خود را تشـــکیل می‌دهیـــد که در نقـــاط مختلف جهان اســـلام و به‌خصوص در لبنان،[2] فلسطین، عراق و افغانستان، کودکان،

۱. ســـتایش خدایی را که نیکوی‌ها به یُمن نعمت او به پایان می‌رســـد و تنها با اتکا به اوســـت کـــه کار دنیا و عقبی اصلاح می‌گـــردد و درود بی‌پایان بر پیامبری‌که هدایت و رحمت برای همه جهانیان است.

۲. لبنان؛ در غرب آســـیا موقعیت دارد. مســـاحت آن ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در ســـال ۲۰۱۰م، حدود ۴۱۲۵۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. واحد پول آن لیرهٔ لبنان، زبان رسمی آن عربی و پایتخت آن شهر بیروت است. نگاه:

جوانان، زنان و مردان مظلوم بی‌رحمانه به قتل می‌رسند. قریه‌ها و شهرها ویران می‌شوند و چه بسا که قدرت‌های حاکم بر جهان امروز و مؤسَّسَات بین‌المللی شبیه مسابقات ورزش بین‌المللی آن را تماشا می‌کنند و سازمان ملل‌متحد که هدف آن تأمین صلح در جهان است، توان آن را ندارد که حتّی قتل‌عام کودکان و زنان را در لبنان و فلسطین - که با قساوت و بی‌رحمی توسّط نیروهای صهیونیست در اسرائیل[1] صورت می گیرد- محکوم کند.

جوانان عزیز!

شما در عصری، زندگی می‌کنید که بشریّت در عرصهٔ دانش مادی و تکنولوژی به پیشرفت‌های بزرگ و حیرت‌آوری دست یافته‌است؛ امّا از لحاظ اخلاق و معنویت و ارزش‌های انسانی در مرتبه‌ای، پایین‌تر از درندگان قرار دارد و اگر مسیر تمدّن و زندگی انسانیِ به این‌گونه، به‌دُور از معنویت و ارزش‌ها ادامه یابد، بلاشکَ که جهان و تمدّن انسانیِ به‌دست خود انسان در پرتگاه عمیق تباهیِ سقوط خواهدَ کرد.

جوانان عزیز!

فقط با اتکا به ارزش‌های اسلامیِ و معنویِ - که اسلام و ادیان برحق الهی به آن هدایت کردَه‌است- مَی‌توان صلح و امنیت، خوشبختی و سعادت انسان را در جهان تضمین کرد.

اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹.

۱. اسرائیل؛ بخشی از خاک اشغال‌شدهٔ سرزمین فلسطین است که توسّط رژیم غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸م، اشغال شد. صموئیل که مدت پنجاه سال در فلسطین بود تعداد شش‌صد هزار یهودی مهاجر را در این منطقه سکونت داد و پُست‌های مهم را به آن‌ها واگذار کرد و هرچه زمین بود، با سرنیزه از عرب‌ها خریداری کرده به‌دست یهود داد و امتیاز تجارت خارجی را منحصراً به یهود داد، حمل سِلاح را بر عرب‌ها ممنوع کرد، در صورتی‌که تسهیلات فراوانی برای خریداری اسلحه نسبت به یهود مبذول داشت. نگاه: خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية، ص: ۲۴۲.

شما به‌عنوان مِشـــعل‌داران حقّ و حقیقت، این رسالت بزرگ و تاریخیِ را در جهان و کشورهای‌تان به‌دوش دارید.

خداوند یارَ و مددگار همهٔ تان باد.

به امید پخش خیـــر و هدایت، صلح و امنیت، در پرتو هدایات نجات‌بخش الهی در جهان.

بااحترام

برهان‌الدین ربانی

پیام رئیس‌جمهور دولت اسلامی افغانستان؛

عنوانی صدراعظم پاکستان؛

کابل، ۱۳ حوت ۱۳۷۲ هـ ش؛

برگرفته از: مجلهٔ فتح، ۲۰ حوت ۱۳۷۲ خورشیدی.

محترمه بی‌نظیر بوتو صدراعظم جمهوری اسلامی پاکستان!

السَّلاَمُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُاللَّه وَبَرَكَاتُه

بدین وسیله تمنّیات نیک و سپاسگزاری عمیق خود، دولت و ملّت افغانستان را در خصوص توجّه به ارسال مواد غذایی به شهر کابل و ادامهٔ همدردی‌های اسلامی و کمک‌های انسانی کشور دوست و برادر ما جمهوری اسلامی پاکستان[1] - که باردیگر از طریق دیدار شما از کمپ‌های مهاجرین در «صوبه سرحد»[2] اعاده و مورد تأیید و تقویت قرار گرفت- تقدیم می‌دارم.

---

۱. پاکستان؛ کشوری‌است که در جنوب‌غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیّت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۱۸٤٤۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» و واحد پول آن روپیهٔ پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰.

۲. صوبه سرحد یا پَشتونستان؛ عبارتی‌است که در نقشه‌های سیاسی وجود ندارد؛ ولی در گروهی از متون، به منطقه‌ای در افغانستان و پاکستان گفته شده‌است که اکثر باشندگان آن پشتون‌اند. بخش پاکستانی، شامل منطقه‌ای از چترال در شمال تا سیبی در جنوب‌غربی می‌گردد. این منطقه در پاکستان به‌نام منطقهٔ مرزی شمال‌غرب (صوبه سرحد شمال‌غرب) نامیده می‌شود؛ امّا این منطقه همچنان مشهور به افغانیه‌است که این نام بیانگر روابط قومی باشندگان آن با پشتون‌های افغانستان است. در زبان اردو بیشتر، این ایالت را سرحد می‌نامند. مرکز تدوین..

وقایع اســـفناک اخیر که - توسّط دشـــمنانِ دوستی و برادری دو کشور مسلمان و همسایه- به امید بهره‌برداری‌های خاینانه صورت داده شـــده بود، در نتیجهٔ موضع‌گیری مثبت و عاقبت‌اندیشـــانه توأم با ایثار و گذشتِ زعامت‌های آگاه، نه‌تنها توقّعات دشمنان به یأس و ناامیدی مبدل گردید؛ بلکه رشـــتهٔ دوســـتی و علایق نیک میان دو کشور برادر (دولت اسلامی افغانســـتان و جمهوری اسلامی پاکستان) استحکام بیشتر یافته و به یقین کامل می‌توان گفت: روابط افغانستان و پاکســـتان که بر مبنای اخوّت اسلامی و حسن همجواری استوار اســـت، هیچ‌گاه و به هیچ وسیله‌ای متزلزل نخواهد شد.

با اغتنام از فرصت، صحتمندی و موفقیت شما را توأم با رفاه و ســـعادت مردم پاکســـتان، از بـــارگاه خداوند (مسئلت می‌دارم.

برهان‌الدین ربانی
رئیس دولت اسلامی افغانستان
کابل، ۱۳ حوت ۱۳۷۲ هـ ش.

نمـــايه

آیات:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ، ٥٩
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، ١،١٢٣،١٠٥،١٠٢،١٠١،٩٣،٩٠،٨٦،٧٥
٣١،١٤٦
وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ، ١١٢
وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ، ٤٠
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، ١٢١
فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ، ٥٠
فَاعْتَبِرُواْ يَاأُوْلِي الأَبْصَارِ، ١٩
قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ٦٨
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، ١٠٥،٩٧
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا، ١٢٧
وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، ٥٧
وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً

وَنَجْعَلَهُمُ الوَارِثِينَ، ۲۵
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، ۳۷

احادیث:

إنَّ لِرَبِّکَ عَلَیْکَ حَقًّا، وَإنَّ لِنَفْسِکَ عَلَیْکَ حَقًّا، إنَّ لِزَوْجِکَ عَلَیْکَ حَقًّا فَأَعْطِ کُلَّ ذِی حَقٍّ حَقَّهُ، ۵۰

إنَّ الْعَیْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ یَحْزَنُ، وَلاَ نَقُولُ إلاَّ مَا یَرْضَی رَبُّنَا وَإنَّا بِفِرَاقِکَ یَا إبْرَاهِیمُ لَمَحْزُونُونَ، ۱۲۱

سَاعَةً وَسَاعَةً، ۱۲،۴۹

عَجَبًا لأمرِ المؤمنِ فَإنَّ أمْرَه کُلَّهُ خَیرٌ وَلیسَ ذلکَ لأَحَدٍ إلا للمُؤْمنِ وَإنْ أصَابتهُ سَرَّاءُ شَکَرَ فکانتْ خَیرًا لهُ وإنْ أصَابتهُ ضَرَّاءُ صَبرَ فکانتْ خَیرًا لهُ، ۵۱

اسما و اشخاص:

ابراهیم خلیل Z ، ٥٦،٦٨
اسماعیل ذبیح، ٦٧
احمدولی کرزی، ٧٩،٨١
امیر اسماعیل خان، ١٢٢
انجینیر احمدشاه مسعود، ١٣٧،١٣٩
برهان‌الدین ربانی، ٧،٨،٢٧،٦٤،٧٠،٩٣،٩٨،١٠٦،١١٣،١١٨،١٢٣، ١٢٨،١٣٥،١٣٧،١٤١،١٥٥،١٦٠
بی‌نظیر بوتو، ١٥٩
پروفیسور نجم‌الدین اربکان، ١٠٧،١١١،١٥١
پوهاند دکتور غلام‌سرور هُمایون، ٩٧
جنرال خان‌محمّد خان، ٧٧
جنرال سمیع‌الله خان، ١٣١
جنرال شاه‌جهان نوری، ٧٣،٧٥،٧٦
داکتر سیّد حسین، ١٣٩
دکتور عبدالحی الهی، ١٢٥،١٢٧،١٢٨
دکتور محمود احمدی‌نژاد، ١٠٥
دگرجنرال محمّدداود داود، ٧٥

سیّد محمّد خاتمی، ۱۳۵
سرمعلم فضل‌احمد طارق، ۱۳۹،۱٤۰
فیض‌الرحمن فایض، ۱٤۳،۱٤۵
قاضی اسلام‌الدین حامد، ۱۳۹
قومندان ظاهرجان، ۹۳
کرزی، ۸۱
ملا نقیب‌الله آخندزاده، ۹۹،۱۰۱
ملا عبدالودود، ۱٤۰
مولانا سیّد خیلی، ۸۵
میرویس صادق، ۱۱۹،۱۲۱،۱۲۲
نَمرُود، ۵۷

اماکن:

افغانستان، ۷،۷۵،۶۹،۶۸،۶۴،۶۳،۳۱،۲۷،۲۶،۲۵،۲۱،۲۰،۱۹،۱۱،۸
۱،۱۲۱،۱۱۸،۱۱۷،۱۰۶،۱۰۲،۱۰۱،۹۸،۹۷،۹۳،۹۱،۸۹،۸۶،۸۱،۷۷،۶
۱۶۰،۱۵۹،۱۵۷،۱۵۳،۱۴۵،۱۳۹،۱۳۲،۱۳۱،۱۲۸،۱۲۷،۱۲۳،۲۲
اِزمیر، ۱۵۱،۱۴۹،۱۳
اسرائیل، ۱۵۴،۱۰۹
انگلستان، ۱۱۷
ارغنداب، ۱۰۲،۱۰۱،۷۷
ایران، ۱۳۵،۱۳۳،۱۰۶،۱۰۵،۱۰۳
بدخشان، ۱۴۵،۷۵
بُن، ۶۴
پاکستان، ۱۶۰،۱۵۹،۱۵۷،۱۴۰،۱۳
تخار، ۱۴۰،۱۳۹،۷۶،۷۵
ترکیه، ۱۵۱،۱۴۹،۱۱۳،۱۱۱،۱۰۹،۱۰۷،۱۳
حربی پوهنتون، ۱۳۲
حربی شو**نځی**، ۱۳۲
سالنگ، ۸۹،۸۷
صوبه سرحد، ۱۵۹

عراق، ۵۶،۱۵۳
غزه، ۱۰۷،۱۰۹
فلسطین، ۱۱۱،۱۱۲،۱۱۳،۱۵۳،۱۵٤
قندهار، ۷۷،۸۱،۱۰۱،۱۰۲
کعبه، ۵۷
کابل، ۸،۲۷،۶۸،۶۹،۹۰،۹۷،۱۰۱،۱۱۷،۱۲۷،۱۳۹،۱٤۰،۱۵۷،۱۵۹
۱۶۰،
کندز، ۷۶،۷۷،۱٤۰
کنر، ۹۳
لبنان، ۱۵۳،۱۵٤
لندن، ۱۱۵،۱۱۷
مِنی، ۵۷
هرات، ۳۱،۳۲،۱۱۹،۱۲۱،۱۲۲

گروه‌ها، احزاب و قبایل:

اشغالگران، ۱۴۰،۸۵،۷۵،۳۱،۲۵
اصحاب، ۳۸
اتحاد شوروی، ۲۵
بَرَهَمَن‌ها، ۳۷
جبههٔ ملی، ۸۹
جوانان، ۱۵۴،۱۵۳،۱۵۱،۱۴۹،۱۴۶،۱۳۲،۱۲۷،۱۰۲،۴۲،۱۳
جمعیّت اسلامی افغانستان، ۱۲۸،۱۲۷،۱۱۸،۱۱۷،۱۰۶،۹۱،۸۹،۷۵
حزب سعادت، ۱۵۱،۱۴۹،۱۰۹،۱۰۷،۱۳
راهبان، ۵۸
زنان، ۱۵۴،۳۱
سازمان مِلل‌متحد، ۱۲۳
ستمگران، ۶۹
صالحان، ۱۲۸
طالبان، ۱۲۲،۱۰۲،۷۵،۶۴
کودتاچیان، ۲۰
کودکان، ۱۵۴،۱۵۳،۱۱۱،۶۷،۳۲،۲۱
مسلمانان، ۱۵۳،۱۱۲،۹۳،۶۹،۵۸،۵۷،۵۵،۵۰،۴۹،۴۳،۳۷

مصریان قدیم، ۳۷
مسیحیّت، ۳۷،۵۶
مجاهدین، ۱۷،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۵،۲۶،۲۷،۹۳،۱۳۱
یهودیت، ۳۷،۵۶

مفاهیم و اصطلاحات:

اختناق ٦٣
اخلاق ١٢،٤١،١٥٤
اخوّت ٦٤،١٦٠
ارتکاب ٤٠،٤١،١١٧
ارکان ٣٧،٥٦
ارمغان ٢٦
استبداد ٢٦،٥٧
استحکام ٥١،٦٤،٦٩،١٦٠
استدعا ٣٧
استراتژیک ٢٠
استقامت ١٢،٤١،٦٤
استقبال ٥٩
استقرار ٥٩
اعزام ١٣٢
اعماق ١٣،٥٦
امواج ١٤١
انظباط ٤١

آرمان ۱٤٦،٦٨،٦٧،٣٢،٢٠
آزادی‌خواهی ٢٦،٢٥،١٩،١١
آزمون ٦٧
آموزگار ٤٢
أولوالعزم ٥٦
ابدیت ٥٦،١٣
اتحاد ١٥٣،١٠١،٦٩،٥٥،٢٥
اتصال ٥٥
اجتماع ١٥٣،١١٣
اجتناب‌ناپذیر ٥٨
اجماع ٢٦
احباب ٦٧
احسان ٥٦،٥٠،٤١
اختطاف ٤٠
اغتنام ١٦٠
اغواگر ٤٢
افتخار ٢٥
افطاری ٣٨
اکناف ٣٢
الطاف ٤٣
المناک ١٣٥،١٢٢،٩٣،٩٠،٨٩،٨٧
الهام ٦٤
امّت اسلامی ٦٧،٥٥،٣٧،١٣
اِمساک ٥١
اَمنیت ١٥،١٥٣،١٢٢،١٢١،٨٥،٨١،٧٧،٧٦،٦٤،٦٣،٥٥،٤٠،٢١،٢٠
٤،١٥٥
استقلال ١٣١،١٠١،٨٥،٦٣،٣٢،٣١،٢٥،٢١،١٩،١١
اسرار ٥٧
اسفبار ٦٣

اسفناک ۱٦۰
اشغال ۱۹،۱٥٤
اصلاح ٤۰،٤۱،٥۹،۱٥۳
ایثار ۲٥،۷٦،۸٥،۱٦۰
ایمان ۷۰
بازسازی ٦٤،۷۷،۱۲۲
برکت ۳۷،٤۲،٥۷،۱٤٦
بساط ٥۷
بشریّت ۱۳،٤۰،۱٥٤
بی‌کاری ۲۱
بی‌نظیر ۱۱،۱۳٥،۱٥۹
تاج ٤۱،٥۰
تاضان ٥۸
تَبَعیَّت ٤۱
تجاوز ۱۹،۲٥،۱۰۱،۱۰۹،۱۱۱
تجرّد ۱۲،٤۹،٥۱،٥٥
تجسّم ۱۹
تجلیل ۲۲،٥٦،٥۷،٥۹،٦۷
تحقق ۲٦
تحمّل ٤۱،٥۸
تخریب ۱۹
تدبیر ۱۲۲
ترور ٦۳
تروریزم ۱۱۸
تسلیّت ۹،۳۱،۸۱،۸۷،۹۳،۱۰۳،۱۲۲،۱۲۳،۱۲۸
تصمیم ٤۱
تصوّر ۱۹،۳۱
تضعیف ۲۱،۷۷
تعاون ٦٤

تعذیب ٦٧
تعزیت ١٤٦،١٤١،١٣٧،٨١
تعلیم ١٢٧،٤٢
تعمیر ٥٧
تعهد ١٤٥
تابناک ١٣١،١٢
تقوی ١٤٥،١٠١،٨٥،٦٤،٥٦،٥١،٤٣،٤١،١٢
تمجید ٦٣،٣٢
تمرُّد ٥١
تهاجم ٣١
تواضع ١٠١
توحید ٥٧،٤٠
توفان ٨٩،٨٧،٣٢
جاویدان ٦٩،٥١،٢٧
جدال ٣٩
جلال ١٤٠،٤٠
جنایت
جهل ٦٣
جوار ٦٩،٥٧
حراست ١٤١،٩٨
حرام ٤١
حریم ٧٧،٦٨،٤١
حسنّات ٤١
حظوظ ٥٠
حقوق بشر ١١٢
حمّاسه ٣٢
حیات ١٠١،٦٨،٦٤،٦٣،٥٦،٤٩،٤٢،٤١،٤٠،١٣،١٢
حیف ٤٣
خشم ٦٨،٣٢

خودخواه ۲٦
خودفروخته ۳۱
داغدار ۱۲۲
دشوار ۱۲۸
دوزخ ۳۹
دین ۱۰٦،۸۵،۷۷،۵۸،۵٦،۵۵،۵۱،۵۰،۳۷،۳۲،۳۱
رایگان ٤۳
رحیم ۹۸
رستاخیز ۱٤٦،۱٤۰،۱۳۹،۳۱
رشید ۷۵،۷۷
رعایت ٤۰،۵۰
رفاه ۱٦۰،۵۱،٤۰
رمضان ٦٤،۵۵،٤۳،٤۲،٤۱،۳۸،۳۷،۳۵،۱۱
رودیداد ۲٦
روزه ۵۱،٤۹،٤۳،٤۲،٤۱،۳۹،۳۷،۱۲
زشت ۵۱،۳۹
سازگار ۲۰
سالم ۲۱
سبقت ۱۲۲
ستم ۱۱۸،۱۱۲
سرفراز ۱۹
سعادت ۱٦۰،۱۵٤،۱۵۳،۱۵۱،۱٤۹،۱۰۹،۱۰۷،٤۹،۳۷،۱۳
سقف ٦۹
سلوک ٤۳،٤۲
سنّت ۵۸
سوگوار ۱۲۱
سیاست ۱۱۱،٦٤،۵۸،۲۰
شایان ٤۳
شباب ۱٤۵

شجاع ۷٦،۹۳،۱٤٥
شرک ٤٠
شعایر ۳۷،٥۷،٥۸
شهامت ٦۳،۸٥،۱٠۱
شیطان ٥٥
صباوت ۱٤٥
صبر ۱۲،۳۸،٤۱،٥۱،٥۷،٦٤،۷٦،۸٦،۸۹،۹٠،۹۸،۱٠٦،۱۲۳،۱۳٥
صبور ۱۲،٥٦
صلابت ۳۱
صلح ٥۱،٦۳،٦٤،۷۷،۸۱،۱٥۳،۱٥٤،۱٥٥
صهیونیست ۱٥٤
صیام ٤۹،٥٠،٥٦،٦٤
ضلالت ٤٠،٥۷
ضمیر ٤۲،٦٤
طاعت ۳۹
طغیان ٥۱
طفیلی ۱۲،٥٦
طهارت ۱۲،٤۱،٥٦،٦٤،۸٥،۱٤٥
طواف ٥۷
ظلمت ۱۳،٥٦،۷٠
عاری ٤۱
عاطفه ٤۲
عبادت ۱۲،۳۹،٤۱،٤۳،٤۹،٥۱،٥۸
عدالت ۲٦،۱۱۲
عروج ۹۳، ٤۱،٥۷
عزّت ۳۲،٤۲،٥٥،٦۷،۱٠۱،۱٤٠،۱٥۳
عشق ۱۲،٤۹
عصیان ٦۸
عطا ٤۱،۱۳۲

عَظَمَت ٤٠
عمیق ١٥٩،١٥٤،١٤٥،١٣٥،٩٧،٩٣،٥٧،٥٥،٤٠
عناصر ٨١،٢٦
عنایات ٤٣
عُنفُوان ٨٥
غرایز حیوانی ٤١
غرض‌آلود ١٢٣
غُفران ٤٢
غفور ٩٨
فحش ٣٩
فراق ١٢١
فرحت‌انگیز ٣٩
فرشته‌خصال ٤٣
فرض ٤٠،٣٨،٣٧
فرهنگ ١٣١،١٢٣،٩٧،٩٠،٥٨،٥١،٥٠،٣٢،٣١،٢٥،١٢
فروغ ٥٦،١٣
فریب‌خورده ٢٠
فضایل ٤٣،٤١،١٢
فضل ٥٠
فضیلت ٤١،١٢
فقر ٢١
فُیوض ٤٣
قاطع ٢٦
قانون ٤١
قربانی ٨٩،٧٠،٦٨،٦٧،٥٩،٥٨،٥٧،٢٦،٢٥
قساوت ١٥٤
قوّت ٦٤،٤١
لاهوت ٤٩،١٢
لجن‌زارِ ٥٥

لطف ۱۱،۳۹،۱٤٦
مؤمن ۳۱،٤۱،٤۲،۱٤۱،۱٤٥
ماده ٥٥
مادیت ٥٥،٥۸
مُبارَزه ۷۰،۷٥،۷٦،۸٥،۱۱۸
مبدأ ۳۹،٤۰
متاع ٦۸
متدّین ۳۷،٤۲،٤۹،٥٥،٦۳،۷٦،۱۲۷
محراق ٦۳
محصول ۱۱،۱۲،٥٦
محنت ٦۸،٦۹
مخلوق ٥٥
مدفون ۲۰
مذَبَح ٥۷
مراسم ٥۸،۱۱۷
مرفوع ۱۳۱
مستحب ۳۸
مستقل ۲٥،۳۱
مستمر ٥۱
مسرّت ٥۱
مسیر ٤۰،٤۱،٥۰،٥٥،٥۷،۱٥٤
مشرک ٤۰
مشغول ۲٦،٥۸،۱۱۱،۱۳۲
مصونیت ۳۹،٤۱
مصیبت ٥۱
مطلوب ۲٦
مظلوم ۳۲،٥۹،۱۱۲،۱۱۳،۱۲۸،۱٤۱،۱٥٤
معتقد ٤۰
معصوم ٦۷،٦۹

معلول ۲۰،۲۶
معلولان ۲۰
معلوم‌الحال ۱۲۲
معنویت ۱۲،۴۲،۴۹،۵۵،۵۸،۱۵۴
منحرف ۴۰،۱۴۵
منطق ۵۷،۱۴۵
مهاجر ۱۹،۲۶،۶۷،۶۹،۱۵۴
مهذب ۵۱
مُواسات ۶۴
ناسزا ۳۹
ناگسستنی ۵۵
نظام ۴۱،۵۹،۱۰۵
نفرین ۳۲،۶۹،۱۴۱
نفس ۴۱،۵۱،۵۸
نماز ۵۰،۵۸،۶۸،۸۵
هجرت ۳۷،۱۴۰
هدایت ۴۰،۴۱،۴۲،۵۰،۵۷،۱۵۳،۱۵۴،۱۵۵
هستی ۴۰،۵۷،۱۲۷
هم‌بستگی ۶۴،۱۰۲،۱۵۳
همدلی ۵۵،۷۶
هیبتناک ۶۸
وامانده ۱۱۲
وجدان ۱۲،۴۲
وحدت ملی ۲۷،۶۴،۱۰۱
وحشت ۳۲
وحشتناک ۶۳،۱۴۰
وداع ۵۸
وقوع ۱۲۳،۱۳۵
ویرانگر ۵۹،۱۲۲

پاداش ۸۹،۵۱،۳۹،۳۸
پاکباز ۸۵
پامال ۲۰
پرتگاه ۱۵٤،۱۳۱،٤۰
پرتلاطم ۱٤۱
پرتو ۱۵۵،۵۱
پژوهشگر ۱۲۸،۱۲۷
کابوس ٦۳
کاخ ٦۹
کانون ۱۳۹،۱۲۸
کرامت ۱۱۲،٦۷،٤۲،۲۵
کشتار ۱۱۲،۳۱،۲۵
کشف ۵۷
کم‌نظیر ۲۰
کودتای خونین ۲۰
یأس ۱٦۰،۵٦،۱۳
یتیم ۲۱،۲۰
یک‌دلی ٦٤
مغرض ۲٦
مغفرت ۹۸،۸۹
مفت‌خوار ۵٦،۱۲
مکرّر ٤۹،۱۲
ملاک ٤۱
ملّت مسلمان ۱۳۹،۱۳۵،۱۱۸،۱۱۳،۷٦،۷۵،۲۵
ملحد ۱٤۵،۱٤۰
منازعه ۳۹

رویکردها

♦ **قرآن‌کریم؛**
♦ ابن ماجه: محمّد ابن ماجه؛
– سنن ابن ماجه؛
♦ انصاری: سلطان‌محمّد انصاری؛
– جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اوّل، سال چاپ: ۱۳۹٤ هـ ش، ناشر: انتشارات بین‌المِللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛
♦ البخاری: محمّد بن إسماعیل بخاری؛
– صحیح‌البخاری، دارابن‌کثیر: بیروت– لبنان، الطبعة الثالثة، ۱٤۰۷ هـ ق؛
♦ بختیاری: سعید بختیاری؛
– اطلس جامع گیتاشناسی، چاپ: اوّل، سال چاپ: ۱۳۹٤ هـ ش، ناشر: مؤسسهٔ جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل چاپ: تهران، ایران؛
♦ بکر: کارل لوتوس بکر و فردریک دنکاف؛
– سرگذشت تمدّن، مترجم: علی محمّد زُهما، چاپ: سوّم، بهار ۱۳۸٤ هـ ش، ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، محل چاپ: تهران، ایران؛

♦ بیهقی: ابی بکر احمد بن الحسین البیهقی؛
– شُعب‌الإیمان؛
♦ پوپل: پوهاند عبدالباقی پوپل؛
– تاریخ تمدّن‌های قدیم شرق، چاپ: سوّم، ۱۳۹۱ هـ ش، چاپ: مطبعهٔ کاروان، ناشر: انتشارات یوسف‌زاده، محل چاپ: کابل، افغانستان؛
♦ التل: عبدالله التل؛
– خطر الیهودیة العالمیة علی الإسلام والمسیحیة، ناشر: دارالقلم؛
♦ حنبل: احمد بن محمّد بن حنبل؛
– المسند؛
♦ دانشیار: امیر اعتماد دانشیار؛
– جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، سال چاپ: ۱۳۷۱ هـ ش، نوبت چاپ: اوّل، چاپ: کُلینی، ناشر: مؤسسهٔ انتشارات بهینه؛
♦ دهخدا: علی‌اکبر دهخدا؛
– لغت‌نامهٔ دهخدا؛
♦ ربانی: شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛
– قیام توفنده در قلب کشور، ویرایش و تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ سوّم، ۱۳۹۰ خورشیدی؛
♦ رستم‌پور: عاشق‌الله رستم‌پور؛
– سپیدار آزادی ۲، ناشر: بنیاد شهید مولانا سیّد خیلی، سال چاپ: ۱۳۹۱ هـ ش؛
♦ الزحیلی: دکتور وهبة الزحیلی؛
– الفقه الإسلامی وأدلّته؛
♦ علی بابایی: غلام‌رضا علی بابایی؛
– فرهنگ سیاسی آرش، سال چاپ: ۱۳۸۷ هـ ش، چاپ سوّم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران؛

♦ فاضل: فضل‌الرحمن فاضل؛
– زندگی‌نامۀ استاد شهید فیض‌الرحمن فایض یک‌تن از پیشگامان نهضت اسلامی کشور، ویژه‌نامه، به‌مناسبتِ سالگرد شهادت استاد فیض‌الرحمن فایض (بی‌تا)؛
♦ کامگار: دکتور جمیل‌الرحمن کامگار؛
– تاریخ معارف افغانستان، سال چاپ: ۱۳۸۷ هـ ش، نوبت چاپ: دوّم با اضافات، ناشر: بنگاه انتشارات میوند؛
♦ کامگار: دکتور جمیل‌الرحمن کامگار؛
– کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان، سال چاپ: ۱۳۸۲ هـ ش، نوبت چاپ: دوّم با اضافات، ناشر: بنگاه انتشارات میوند؛
♦ کوهی: عبدالعلی کوهی؛
– در «درگذشت استاد غلام‌سرور هُمایون»، هفته‌نامۀ مجاهد، ص: ٤، دور ششم، سال هفتم، شمارۀ ۲۷، ۲۳ قوس ۱۳۸۷هـ ش؛
♦ مبارز: عبدالحمید مبارز؛
– تحلیل سیاست خارجی افغانستان از احمدشاه بابا دُرانی تا حامد کرزی، ناشر: انتشارات سعید، نوبت چاپ: اوّل، زمستان ۱۳۹۰ هـ ش، چاپ: چاپخانۀ سباوون؛
♦ نصری حق‌شناس: دکتور شیراحمد نصر حق‌شناس؛
– تحوّلات سیاسیِ جهاد افغانستان، جلد اوّل، چاپ دوّم، (با تصحیح و اضافَاتَ) سال: ۱۳۸۵ خورشیدی، محل چاپ: مطبعۀ نعمانی، کابل، افغانستان؛
♦ نیشابوری: مسلم بن حجّاج نیشابوری؛
– صحیح مسلم؛
– هفته‌نامۀ مجاهد، ص: ۱، ۱۱ عقرب ۱۳۸۱ هـ ش، ارگان نشراتی جمعیّت اسلامی افغانستان؛
– هفته‌نامۀ مجاهد، ص: ۷، دور ششم، سال دهم، شمارۀ

نهم، ١٤ جوزای ۱۳۹۰ هـ ش؛
- هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ٦، دور هشتم، سال ششم، شمارهٔ اوّل، ۱۸ حمل ۱۳۸۵ هـ ش؛
- هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۱ و ۳، سال پنجم، شمارهٔ بیست‌وچهارم، ۲۸ میزان ١٣٨٦ هـ ش؛
- هفته‌نامهٔ مجاهد، دورهٔ ششم، سال اوّل، شمارهٔ ٤٧، چهارشنبه ١٦ میزان ۱۳۸۲ هـ ش؛
- میثاق خون، سال چهارم، شمارهٔ: ٥ و ٦، سال ١٣٦٨ هـ ش، ص: ١٠٤ - ١٠٨؛
- هفته‌نامهٔ مجاهد، دور ششم، سال هفتم، شمارهٔ ۲۷، ۲۳ قوس ۱۳۸۷ هـ ش، ص: ٤؛
- هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۲، چهارشنبه، ۱۱ قوس ۱۳۸۲ هـ ش، دور ششم، سال سوّم، شمارهٔ ۲۳؛
- هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ۲، شمارهٔ ۱، شنبه ۱۱ عقرب ۱۳۸۱ هـ ش، «گفت‌وگوی استاد شهید با تلویزیون نور»؛
- هفته‌نامهٔ مجاهد، ص: ٦، دور ششم، سال هفتم، شمارهٔ: ۲۹، شنبه، ۷ جدی ۱۳۸۷ هـ ش؛
- روزنامهٔ ماندگار، ص: ٤، سال چهارم، شمارهٔ ٨٢٤، یک‌شنبه، ۷ جوزای ۱۳۹۱ هـ ش؛
- خلیفه: عبدالباقی خلیفه؛ نجم‌الدین أربکان.. صانع أسس ترکیا الحضاریة، http://islamstory.com/، ۲۰۱۱/۰۳/۰۳م، am ۱۱:۳۳؛
- http://www.irna.ir/fa/News/٨١٦٧٤٧٣٠، کد خبر: ٨١٦٧٤٧٣٠ (٤٧٥٥٤٣٠)، تاریخ خبر: ١٣٩٤/٠٤/١٦، ساعت: ١٥:٢٠، مراسم بزرگداشت قربانیان بمب‌گذاری‌های انتحاری لندن؛
- پایگاه اطّلاع‌رسانی دکتور محمود احمدی‌نژاد، زندگی‌نامه، http://www.ahmadinejad.ir/.

نمونه‌ای از «پیام رهبر» به خط زیبای خودشان:

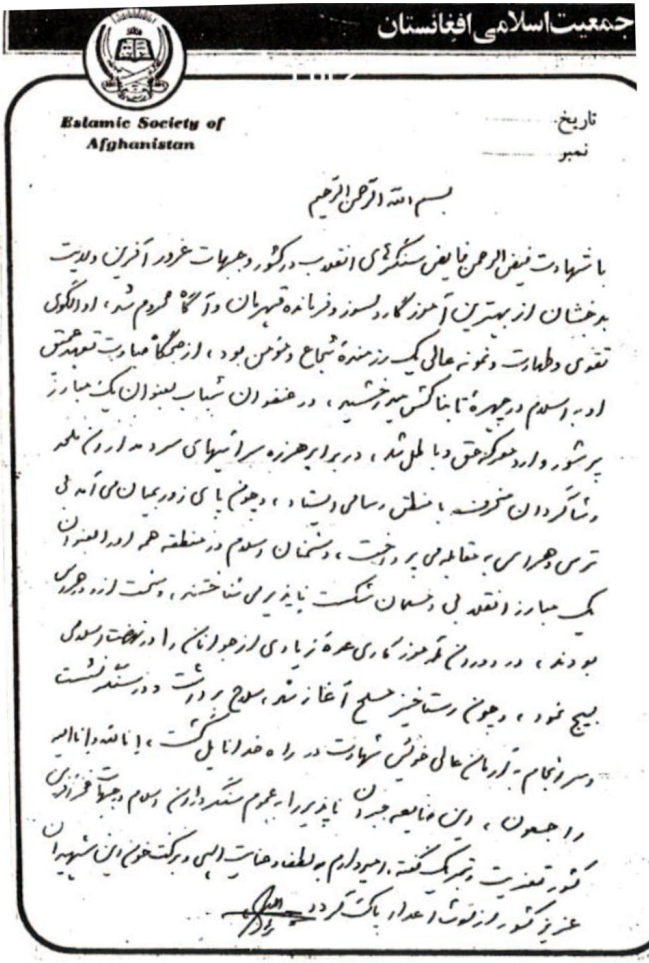

جمعیت اسلامی افغانستان

Eslamic Society of
Afghanistan

تاریخ .....
نمبر .....

بسم الله الرحمن الرحیم

با شهادت فیض الرحمن فایض سنگر ذی انقلاب در کشور و جبهات غرور آفرین ولایت
بدخشان از بهترین آموزگار دلسوز و فرمانده قهرمان و آگاه محروم شد، او الگوی
تقوی و طهارت و نمونه عالی یک رزمنده شجاع و مؤمن بود، از جنگ مبارک تعهد حق
او به اسلام در چهره تابناکش پدیدار خشید، در عنفوان شباب بعنوان یک مبارز
پرشور وارد معرکه حق و باطل شد، در برابر هرزه سرائیهای سرسپردگان و
شاگردان منحوس، با منطق رسالی ایستاد، و چون پای زور بمیان می آمد بی
ترس و هراس به مقابله می پرداخت، دشمنان اسلام در منطقه هم او را بعنوان
یک مبارز انقلابی دشمن شکست ناپذیری شناختند، و سخت از وی هراس
بودند، در دوران تمرکز کاری عده زیادی از جوانان را در نهضت اسلامی
بسیج نمود، و چون رستاخیز مسلح آغاز شد، سلاح برداشت و در سنگر نشست
و سرانجام با ارمان عالی خویش شهادت در راه خدا نایل گشت، إنا لله و إنا إليه
راجعون، این مصیبت جبران ناپذیر را به عموم سنگرداران اسلام و جبهات فرزانه
کشور تعزیت و تبریک گفته، امیدوارم به لطف و عنایت الهی و برکت خون این شهیدان
عزیز کشور از لوث اعداء پاک گردد.